

عید پاکی

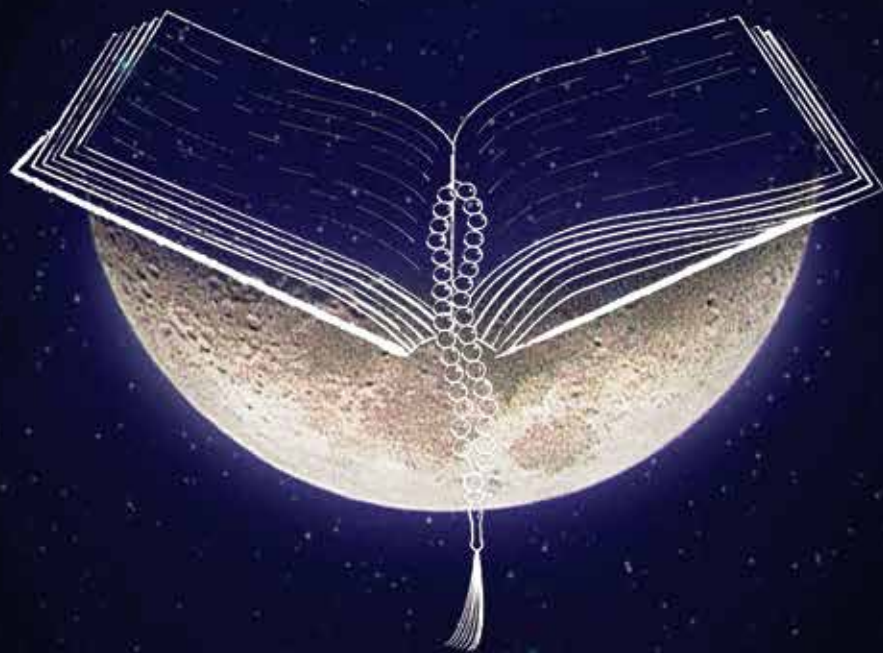
آسمانمرد...

شب قدر شب پاکسازی گذشته است

دلباخته امام خامنه‌ای

روز حکومت الله در ایران

نماد اصیل سنت
ایرانی - اسلامی



ماهِ قرآن

این که میگویند ماه رمضان، ماه ضیافت الهی است محتویات این سفره که من و شما باید از آن استفاده کنیم، یکی اش فضیلت قرآن است، قرآن را گذاشتند در این سفره با فضیلت زیاد، بیش از ایام دیگر؛ و به ما گفتند که تلاوت قرآن کنید.

خدای من!

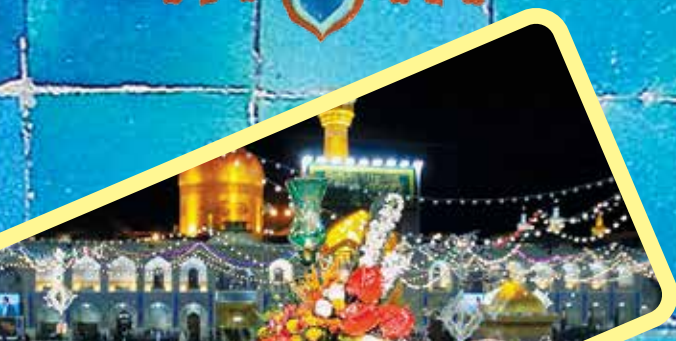
اگر منو وارد آتش کنی

اهل دوزخ رو با خبر می کنم که

حق در دست دارم

فرازی از دعای زیبای ابو حمزه ثمالی





فرهنگ پاسداری

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی

سال شانزدهم / شماره ۱۴۰ / اسفند ۱۴۰۲ و فروردین ۱۴۰۳

صاحب امتیاز:

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیر مسئول:

سرتیپ دوم پاسدار حسین محبی

سر دبیر:

حسن شریعتی

دبیر تحریریه:

علی عرفانی

عکس و صفحه آرایی:

امیر مهدی صالحی

همکاران این شماره:

مهدی نیک‌بین / نفیسه محمدی / نوید کمالی

لیتوگرافی:

مرکز چاپ سپاه

نشانی:

تهران / ستاد فرماندهی کل سپاه

حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه / ساختمان شماره ۲

معاونت فرهنگی و تبلیغات / مدیریت نشریات

تلفن و دورنگار سردبیری:

۳۵۵۳۳۸۴۷ / ۳۳۲۲۲۲۰۳

مرکز توزیع:

۳۵۲۳۳۸۷۸

صندوق پستی:

۱۷۳۸۵-۱۶۵

سامانه پیامکی:

۶۶۰۰۹۹۶۲

فهرست

۴	انقلاب اسلامی اجابت دعوت پیامبر بود.....
۶	الزامات پاسداری در عصر جدید.....
۷	غفلت می کردم امام سریع به سمت ظرفشویی می رفت!.....
۸	شب قدر شب پاکسازی گذشته است.....
۱۰	نماد اصیل سنت ایرانی-اسلامی.....
۱۲	پس مردم کجاستن؟.....
۱۲	نفوذ در سپاه.....
۱۳	دلباخته امام خامنه‌ای.....
۱۴	روز حکومت الله در ایران.....
۱۶	گره‌ای که به دست امام باز شد.....
۱۸	رستاخیز استکبارستیزی مسلمان.....
۲۰	عید پاکی.....
۲۱	عید شرافت امت اسلام.....
۲۲	آسمان‌مرد.....
۲۳	تنها انقلاب دموکراتیک جهان.....
۲۴	ماراتن فریب مخاطب.....
۲۵	کلید امنیت.....
۲۶	نمایش خانگی از تابوشکنی تا اشرافی گری.....
۲۷	شماره ۱۰.....
۳۰	غیرت دینی یک سرباز.....
۳۱	روایت نوروز ۱۳۴۲.....
۳۱	قناعت ثروت واقعی.....
۳۲	ارزش و اعتبار حقیقی.....
۳۳	سیستم روتقویت کن!.....
۳۳	زنگ خطر.....
۳۶	انتخاب شریک همیشگی.....
۳۷	وابستگی‌های ایمن.....
۳۹	با دیابت بیشتر آشنا شویم.....
۳۹	درباب وجود فناوری نانو در زمان رضا شاه.....
۴۰	آزادی.....



چراغ راه ف امام خامنه‌ای در جمع مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار با تبریک عید مبعث به ملت ایران و همه مسلمانان، بعثت را مبارک‌ترین و بزرگ‌ترین حادثه تاریخ بشریت خواندند و گفتند: با بعثت پیامبر اعظم، نسخه کامل و نهایی و همیشگی سعادت دنیوی و اخروی بشر ارائه شد.

ایشان سربرآوردن بعثت در محیط ظلمانی و سراسر کجی و انحراف جاهلیت و آشکار شدن نشانه‌های انحراف و سقوط در همه تمدن‌های بزرگ آن روز جهان را حادثه‌ای خارق‌العاده برشمردند و افزودند: برنامه بعثت باز کردن راه ارتباط بشر محصور در چارچوب تنگ مادی با عالم غیب و اولوہیت یعنی ایمان و سپس تزکیه انسان یعنی تعالی و رشد دادن او از طریق رفع نواقص و زدودن زشتی‌ها، بدی‌ها و باطل است.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تزکیه را حرکتی فراگیر برای اصلاح امور فرد و جامعه در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و نفی انواع بی‌عدالتی و فاصله‌های طبقاتی خواندند و گفتند: تزکیه، زمینه تعلیم انسان و جامعه را فراهم می‌کند تا با غنی‌سازی جامعه از لحاظ معرفت و معنویت، انسان تراز اسلام ساخته شود.

ایشان با استناد به آیات قرآن کریم، بعثت و دعوت نبی اکرم را امری جاری و دائمی برای همه زمان‌ها دانستند و گفتند: هم‌اکنون نیز پیغمبر اکرم (ص) در حال تعلیم و تزکیه است یعنی همچنانکه آن روز مردم را به دوری از بت‌ها دعوت کردند امروز نیز همان خطاب و دعوت وجود دارد.

رهبر فرزانه انقلاب، مبارزه با نفس و شکستن بت‌های نفسانی را اولین گام در اجابت دعوت پیامبر اکرم خواندند و افزودند: اینکه برخی می‌گویند برای اصلاح دنیا، اول باید خود و جامعه خود را اصلاح کنید حرف درستی است چرا که نشان دادن ارائه یک نمونه اصلاح شده به دنیا موجب جذب دیگران به آن نمونه و الگو می‌شود. ایشان تحقق انقلاب اسلامی را نتیجه اجابت

انقلاب اسلامی اجابت دعوت پیامبر (ص) بود

نبوی را باعث رشد و سعادت دنیوی و اخروی خواندند و با اشاره به حادثه تلخ غزه و ادامه جنایت‌های رژیم صهیونیستی گفتند: مصیبت غزه، مصیبت بشریت است و نشان می‌دهد نظم کنونی جهانی کاملاً باطل و غیرقابل دوام است و از بین خواهد رفت.

در خجسته عید مبعث حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص)، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، سفرا و نمایندگان کشورهای اسلامی و جمعی از اقشار مختلف مردم، اجابت دعوت و بعثت

پیام بعثت و دعوت امام بزرگوار از طرف مردم خواندند و گفتند: در ادامه هم مردم ما به توفیق و فضل پروردگار حرکت خود را در مسیر درست ادامه داده‌اند و تا هر زمان که اجابت دعوت پیغمبر ادامه داشته باشد، رشد و پیشرفت که فقط هم رشد معنوی و اخروی نیست ادامه دارد و می‌توان به بهترین نمونه زندگی دنیوی و اخروی دست یافت.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با اشاره به رواج ظلم و حق‌کشی در جهان امروز، رهایی از این وضع و بهبود زندگی مردم دنیا را در گرو اجابت دعوت پیامبر و استفاده از تزکیه و تعلیم نبوی دانستند و افزودند: مسئولیت ما خودسازی و نشان دادن اداره کشور بر اساس الگوی اسلام است که در این زمینه موفقیت‌هایی داشته‌ایم که در دنیا تأثیرگذار بوده و البته کوتاهی‌هایی هم داشته‌ایم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به استمرار مصیبت غزه، آن را مصیبت دنیای اسلام و بلکه همه بشریت، و نشان‌دهنده اوج بطلان نظم کنونی جهانی خواندند و خاطرنشان کردند: امروز آمریکا، انگلیس و بسیاری از کشورهای اروپایی و دنباله‌روهای آنها پشت دست‌های جنایتکار و به خون‌آلوده رژیم صهیونیستی قرار دارند که از همین جا می‌توان فهمید نظم کنونی جهان نظامی باطل و غیرقابل دوام است و از بین خواهد رفت.

ایشان، بمباران بیمارستان و کشتار نزدیک به ۳۰ هزار تن از مردم غزه را باعث رسوایی فرهنگ و تمدن غربی دانستند و افزودند: پشت سر این جنایت‌ها پول، تسلیحات و کمک‌های سیاسی آمریکا است و همچنان که خود صهیونیست‌ها اعتراف کردند بدون تسلیحات آمریکایی یک روز هم قادر به ادامه جنگ نبودند بنابراین آمریکایی‌ها نیز مجرم و مسئول این حادثه تلخ هستند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای راه‌حل پایان بحران غزه را کنار کشیدن قدرت‌های بزرگ جهانی و طرفدار غرب از این قضیه

خواندند و گفتند: مبارزان فلسطینی خود قادر به اداره میدان هستند همچنان‌که تا امروز نیز با اداره صحنه، ضربه سختی به آنها وارد نشده است.

ایشان با تأکید بر اینکه وظیفه دولت‌ها قطع کمک‌های سیاسی، تبلیغاتی، تسلیحاتی و عدم ارسال کالاهای مصرفی به رژیم صهیونیستی است، خاطر نشان کردند: وظیفه ملت‌ها فشار آوردن به دولت‌ها برای انجام این وظیفه بزرگ است.

بخش‌هایی از بیانات امام خامنه‌ای در این دیدار:

* تبریک عرض می‌کنم عید شریف و بزرگ مبعث را به همه‌ی ملت ایران و به همه‌ی مسلمانان عالم. عید مبعث یادآور بزرگترین حادثه‌ی تاریخ است. با جرأت می‌توان گفت که مبارکترین و بزرگترین حادثه‌ای که در دنیا در طول تاریخ برای بشریت اتفاق افتاده، بعثت نبی مکرم اسلام است. نسخه‌ی کامل، نهایی و همیشگی و دائمی سعادت بشر، چه سعادت دنیا، چه سعادت آخرت در بعثت ارائه شد.

* امروز ما مخاطب بعثتیم. بعثت در میان ما هم هست. یعنی همین حالا نبی مکرم اسلام در حال تعلیم و تزکیه‌ی ما است. همین حالا

*** پیغمبر (ص) امروز دارد دعوت می‌کند ما را. همه‌ی ما را. اما دعوت شونده اجابت نکند اتفاقی نمی‌افتد. آنچه که در انقلاب ما اتفاق افتاد این بود که دعوت شونده‌ها اجابت کردند، امام بزرگوار سخن پیغمبر را، بعثت پیغمبر را برای مردم بیان کرد از مردم مجاهدت را مطالبه کرد مردم هم اجابت کردند. این حرکت عظیم اتفاق افتاد این کار بزرگ انجام گرفت***

ما مخاطبیم، مخاطب بعثتیم. در طول تاریخ ابدی بشریت این وجود خواهد داشت، همیشه بشریت مخاطب تعلیم و تربیت و تزکیه‌ی پیغمبر اکرم است. پیغمبر همین طور که در آن روز مردم را به دوری از بت‌ها و شکستن بت‌ها دعوت کرد، امروز هم همین خطاب وجود دارد. اولین بت هم بت خود ما است، بت درون خود ما، بت نفس ما. اول خودمان را باید اصلاح کنیم. اول جامعه‌ی خودمان را باید اصلاح کنیم.

این مطالبه‌ی نبی مکرم اسلام و بعثت اسلام از خود ما است. ما که اصلاح بشویم یک نمونه‌ی اصلاح‌شده‌ی اسلام را به بشریت اگر نشان بدهیم، خودش جاذبه دارد و جذب می‌کند.

* پیغمبر امروز دارد دعوت می‌کند ما را. همه‌ی ما را. اما دعوت شونده اجابت نکند اتفاقی نمی‌افتد. آنچه که در انقلاب ما اتفاق افتاد این بود که دعوت شونده‌ها اجابت کردند، امام بزرگوار سخن پیغمبر را، بعثت پیغمبر را برای مردم بیان کرد از مردم مجاهدت را مطالبه کرد مردم هم اجابت کردند. این حرکت عظیم اتفاق افتاد این کار بزرگ انجام گرفت.

پیغمبر دارد الان دعوت می‌کند ما را. ما همان آخرینی هستیم که لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ. ما باید اجابت کنیم. در روز عید مبعث، سالگرد مبعث به این نکته باید توجه کنیم که ما هم مورد خطاب بعثت نبی مکرم اسلام هستیم. اگر ما هم عمل نکنیم می‌شویم مثل همان. مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا.

* درباره مسأله غزه، آنچه که دولت‌ها وظیفه دارند، قطع کمک سیاسی و تبلیغاتی و تسلیحاتی و کالاهای مصرفی به رژیم صهیونیستی است. این وظیفه‌ی دولتهاست. آنچه که ملت‌ها وظیفه دارند، فشار به دولتهاست که این وظیفه‌ی بزرگ را انجام بدهند. این کار بایستی انجام بگیرد و ان‌شاءالله به توفیق الهی روز به روز پیروزی مردم غزه بیشتر آشکار خواهد شد.

الزامات پاسداری در عصر جدید

نوید کمالی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از بدو تأسیس در آغازین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی، همواره نقشی کلیدی در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن ایفا کرده است. تا به امروز، سپاه پاسداران علاوه بر پیشبرد ماموریت‌های دفاعی مختلف در عرصه داخلی و بین‌المللی مانند دفاع از حرم اهل بیت (ع) در عراق و سوریه، در زمینه‌های علمی و فناوری نیز به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافته است. به طور مثال این نهاد انقلابی به واسطه ظرفیت‌های نخبگانی خود، با تولید و توسعه انواع موشک‌ها، پهپادها، و تجهیزات نظامی پیشرفته، توان دفاعی کشور را به طور قابل توجهی افزایش داده است و موجب تبدیل شدن کشورمان به یکی از مهمترین قدرت‌های نظامی منطقه و جهان شده است.

سپاه پاسداران، با اتکا به ایمان، بصیرت و شجاعت خود، همواره در خط مقدم دفاع از انقلاب و کشور قرار داشته است.

با این حال بایستی به این نکته توجه داشت که در حال حاضر منطقه و جهان به سرعت در حال عبور از تحولات جدیدی است که با دقت در آن‌ها می‌توان شکل‌گیری فرصت‌ها و تهدیدات جدیدی را پیشبینی کرد. در واقع در عصر جدیدی که امروز در آستانه شروع آن هستیم، تحولات سریع و پیچیده در عرصه‌های مختلف این ضرورت را ایجاد می‌کند که سپاه و پاسداران عضو آن از هم اکنون خود را برای مواجهه با مسائل جدیدی که شاید در گذشته کمتر مورد توجه بودند آماده نمایند. برخی از این مسائل عبارتند از:

تغییر در ماهیت و کیفیت جنگ‌ها: جنگ‌های امروزی به سمت جنگ‌های نیابتی و تروریستی هدایت شده است. به عنوان مثال، گروه‌های تروریستی مانند داعش یا

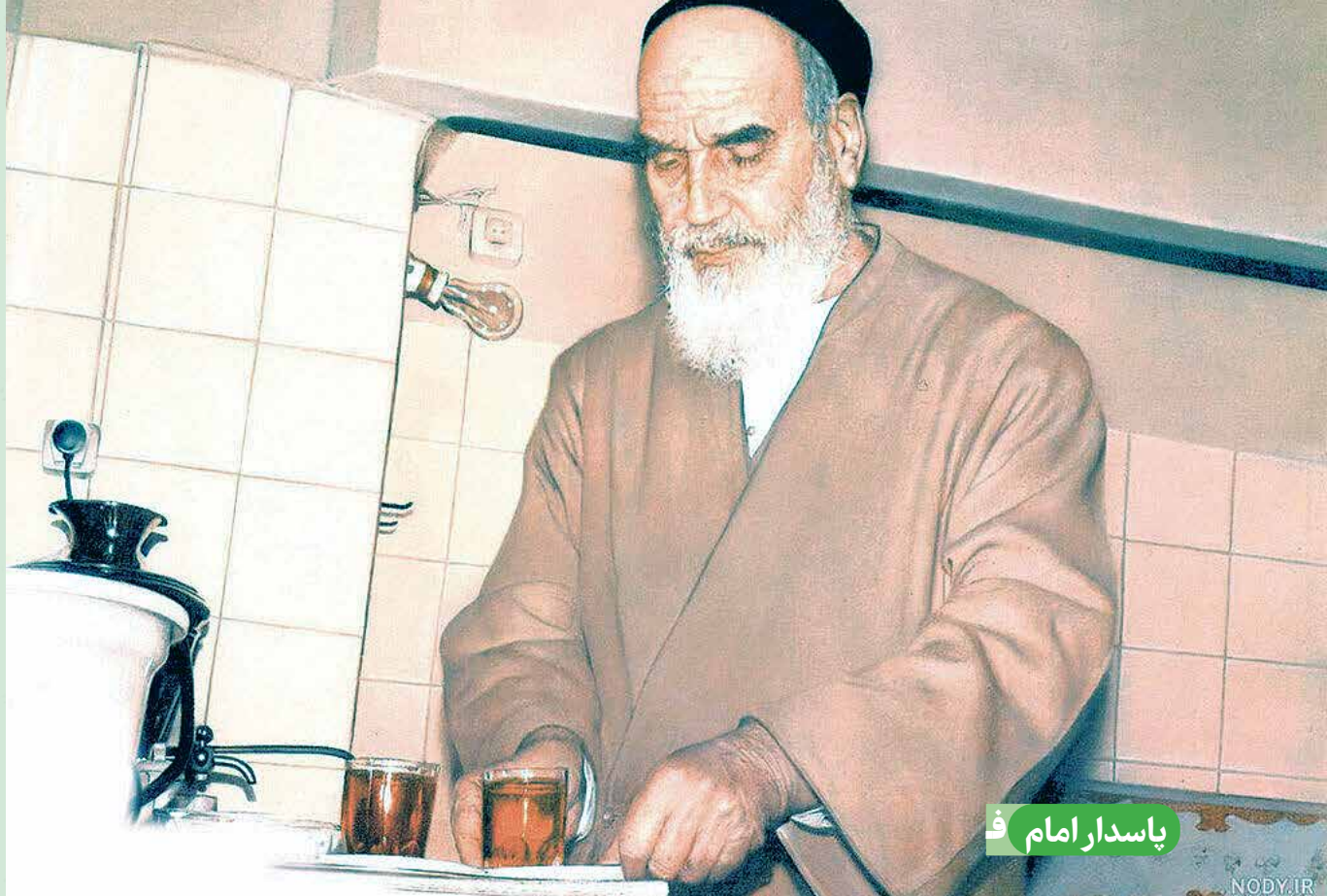
جریان‌ات تجزیه طلب با بهره‌برداری از برخی شکاف‌های قومی و اقتصادی با حمایت و طراحی دشمنان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، علیه کشور ما و منافع منطقه‌ای آن ایجاد تهدید کرده و اینگونه درصدد تضعیف و مهار انقلاب اسلامی هستند از این رو تقویت و توسعه ظرفیت‌های پاسداری متناسب با این تهدیدات جدید بیش از پیش ضروری است.

تمرکز دشمن بر مقابله با سپاه: با توجه به نقش آفرینی جدی سپاه در عرصه حفظ و قوام بخشی انقلاب اسلامی دشمنان به شکل ویژه در صدد مقابله با این نهاد بر آمده‌اند که نمود آن را می‌توان در تصویب طرح‌های حقوقی مختلف جهت مقابله با سپاه در عرصه بین‌الملل مانند طرح قانون کاتسا یا مادر تحریم‌ها مشاهده کرد. اما بایستی به این نکته توجه داشت که دشمن در این مرحله توقف نکرده و به شکل ویژه در پی شناسایی راهکارهای جدید برای مقابله با سپاه پاسداران است که نمونه جدید آن تأسیس واحد ۵۴ در قلب ارتش رژیم صهیونیستی است. در ماه ژوئن سال گذشته میلادی رسانه‌ها بین‌المللی پرده از تأسیس یک واحد اطلاعاتی ویژه در ارتش اسرائیل برداشتند که هدف و ماموریت اصلی آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعیین شده است. اولین بار سایت خبری وای‌نت (سایت انگلیسی روزنامه ییدعوت آحارانوت) گزارش داد که «شاخه ۵۴» برای جمع‌آوری اطلاعات درباره نیروهای نظامی ایران و شیوه‌های رزمی و تکنیک‌های آموزشی آن‌ها تشکیل شده است. وظیفه این واحد فراهم کردن زیربنای اطلاعاتی درباره قابلیت‌های نظامی سپاه و سامانه‌های راهبردی آن است، این واحد موظف است که به طور مستمر درباره عوامل تعیین‌کننده در سپاه، از بالاترین سطوح تا نیروهای عملیاتی در خطوط مقدم جمع‌آوری اطلاعات انجام دهد. در این واحد اطلاعاتی یک بخش

هدف‌گذاری فعال شده است که مسئولیت آن شناسایی اهداف بالقوه در سپاه است. با توجه به این خبر و همچنین سایر تحرکات دشمنان قسم خورده کشورمان بدیهی است که سپاه و بدنه پاسداران جان بر کف آن بایستی بیش از پیش خود را برای مقابله با تهدیدات متنوع و ترکیبی دشمنان چه در عرصه ماموریت و چه عرصه عمومی آماده نمایند.

تحول نسلی در سپاه: در طول بیش از چهار دهه گذشته به واسطه جانبازی صادقانه و مجاهدانه هزاران پاسدار پیشکسوت خصوصاً فرماندهان غیور، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانسته است با افتخار ماموریت‌های خود را در عرصه‌های مختلف به سرانجام مطلوب برساند اما خواهی نخواهی سپاه نیز به مانند هر سازمان پویای دیگری با واقعیت تغییر نسل روبرو شده و به مرور انبوهی از جوانان دلباخته انقلاب اسلامی در لباس سبز پاسداری، تصدی‌گر مسئولیت‌های مختلف در این سازمان مقدس شده و خواهند شد. بدون شک این تحول می‌تواند فرصتی مغتنم برای ارتقای توان و کارآمدی سپاه در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدات نوین باشد. با اتکا به جوانان و خصوصاً نخبگان، سپاه به دور از چالش‌هایی مانند تاخر شناختی و فرسودگی دانش می‌تواند در مسیر پیشرفت و تعالی گام بردارد و به رسالت خود در حفظ و هراست از انقلاب اسلامی در فضای پر تهدید نوین منطقه و جهان عمل کند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که سپاه به عنوان یکی از مهمترین ارکان انقلاب اسلامی، ستون خیمه انقلاب محسوب می‌شود و طبیعتاً حفظ کارآمدی آن در افق پیش روی کشور و جهان مشروط به توجه به الزامات پاسداری در عصر جدید است که در این نوشتار تلاش شد به برخی از آن‌ها اشاره شود.



پاسدار امام

غفلت می‌کردم امام سریع به سمت ظرفشویی می‌رفت!

پای حرف‌های حمیدرضا نقاشیان از پاسداران محافظ امام خمینی (ره)

سؤال را پرسیدیم و گفتیم امام چرا اجازه ندادید آقا مصطفی را کالبدشکافی کنند؟ امام قاشق را زمین گذاشتند، نگاهی به من کردند و گفتند: انقلاب نمی‌شد. این جمله حضرت امام یک دنیا تفسیر دارد. اگر قرار باشد این جمله را بشکافیم اولین برداشت این است که امام خمینی (ره) می‌دانستند در اطرافشان جریانات نفوذی وجود دارد و جریاناتی منتظرند که امام یک پردازی انجام بدهند که با آن پردازش بشود کنه ذهن ایشان را خواند. برای همین امام از ماجرای قتل مرحوم شهید مصطفی خمینی عبور کردند و در بیانیه‌شان نوشتند که این می‌تواند الطاف خفیه الهی باشد. این خاطره را گفتیم تا بگوییم که امام به چه نکاتی و ظرافت‌هایی در فضای اجتماعی، سیاسی دقت و توجه داشتند که این هم بخشی از سلوک ایشان بود. امام شانیت برای خودشان قائل نبودند و این نکته در تمام مراحل زندگی‌شان خودش را نشان می‌دهد.

شخصیت امام خمینی (ره). در آن دو روز من برای صبحانه نان و پنیر و کره، گاهی حلورده سر سفره صبحانه می‌آوردم اما امام (ره) خیلی کم غذا می‌خوردند. این کم خوری برای من ملکه شده بود. اجرای شهادت آقا مصطفی خمینی (ره) و درایت رهبرانقلاب: «در روز دوم حضور امام (ره) در باغچه کوچک، من نهار کله گنجشکی درست کرده بودم. سفره را انداختیم. امام اول برای من غذا کشیدند بعد برای خودشان. یکی از دغدغه‌های ذهنی‌ام که همیشه دوست داشتم با امام حلش کنم مسئله شهادت آقا مصطفی خمینی بود. در ادوار مختلف من گاهی فرصت پیدا می‌کردم این موضوع را با سؤالات مختلف از امام می‌پرسیدم. ایشان هر بار در پاسخ من سکوت می‌کردند. من از سال ۵۷ تا اواخر خرداد ۵۸ که دائم در محضر ایشان بودم، این موضوع را سه بار در سه بازه زمانی سؤال کردم و امام (ره) سکوت می‌کردند. در آن دو روز که با ایشان تنها بودم، در حین غذا خوردن مجدد این

در مقطعی امام برای تمدد اعصاب به باغچه کوچکی که دامادشان آقای اشراقی در اطراف قم داشتند رفتند و من هم همراه ایشان بودم. یعنی در دو روز و نیم فقط من بودم و امام (ره) و قرار بود که که امام کمی استراحت کنند. من باید فکر صبحانه و نهار و شام را می‌کردم و دائم در محضر امام بودم. امام خمینی (ره) بیشتر قرآن می‌خواندند و به رادیوها گوش می‌دادند. وقت نماز هم که می‌شد دوباره بهترین لحظات زندگی من رقم می‌خورد و شانه به شانه امام با هم نماز می‌خواندیم. یکی از نگرانی‌های من در این دو روز و نیم این بود که حواسم همه جوهره به امام باشد. چون وقتی سفره صبحانه و نهار و شام را جمع می‌کردم، فقط کافی بود یک لحظه غفلت کنم، امام سریع به سمت ظرفشویی می‌رفتند و مشغول شستن ظرف‌ها می‌شدند. من باید مراقب می‌بودم که بعد از غذا به محض جمع کردن ظرف‌ها خودم بایستم ظرف‌ها را بشورم مبدا امام پیش دستی کند. این خاطره زبان‌گویی هست برای نشان دادن

شب قدر شب پاکسازی گذشته است

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاجی صادقی

شب قدر، شب اجابت آرزوهاست، شب آرزو کردن و به مراد رسیدن، شب دعا کردن و اجابت شدن، شب خواستن و به دست آوردن، شب طلب آموزش است و بخشیدن. شب نوزدهم ماه مبارک رمضان آغاز اولین شب قدر است، شبی پرفضیلت که در سال بی‌مانند است و گویند در این شب سرنوشت انسان بار دیگر رقم می‌خورد. شب قدر شب اوج گرفتن عبادت‌ها و تضرع و گریه و زاری به درگاه احدیت، شب آشتی انسان با خدا و شبی مختص به راز و نیاز انسان با معبود است. شب قدر، شبی است سرنوشت ساز برای آدمی، و جایگاه این شب در نزد خداوند منان چنان بالاست که در کتاب مبارک قرآن سوره‌ای به نام سوره قدر به آن اختصاص داده شده است. شب قدر که در زبان عربی به آن «لیلہ‌القدر» گفته می‌شود، به معنای شب سرنوشت است و در این شب سرنوشت انسان بار دیگر رقم می‌خورد. در ادامه گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاجی صادقی را درباره ماه رمضان، شب قدر و نکات پاکسازی روح و روان انسان را بخوانید.

ماه رمضان ماه مهمانی خداست و در این ماه انسان برای تقرب الی الله فرصت و زمینه‌های بیشتری دارد. رمضان ماه نزول دفعی قرآن است که همین دلیل می‌تواند عامل شرافت آن بر ماه‌های دیگر سال باشد. اوج رمضان لیلہ‌القدر است و یکی از شرافت‌های رمضان به این دلیل است که شب قدر در آن قرار گرفته است. لیلہ‌القدر را خدای صادق که هیچ کس از او صادق‌تر نیست، برابر با یک عمر هشتاد و چند ساله قرار داده و می‌دانیم اینکه برتر از هزار ماه بیان شده، چیزی حدود

هشتاد و چند سال می‌شود.

در موضوع لیلہ‌القدر باید گفت که نزول دفعی قرآن بر قلب رسول مکرم اسلام (ص) در این شب بوده است. قرآن کامل‌ترین و جامع‌ترین کتابی است که خداوند متعال برای هدایت و سعادت انسان فرستاده است و به وسیله آن هدایت انسان را صورت داده، که او را از حیات حیوانی به حیات انسانی رهنمون کند. این نکته را باری تعالی در قرآن چنین بیان کرده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...»

در عظمت قرآن سخن بسیار است؛ اما اصل موضوع این نوشته چیز دیگری است. تنها به همین بسنده می‌کنیم که در تعبیر مولی‌الموحدين با هم نشینی با آن، انسان به هدایت می‌رسد و از گمراهی دور می‌شود و انسان با وجود قرآن دیگر به چیزی نیازی ندارد.

نکته دیگر از ویژگی‌های شب قدر این است که در آن ملائکه و فرشتگان الهی بر ولی خدا نازل می‌شوند و مقدرات آن سال را تقدیر و مقدر می‌کنند؛ یعنی این شب، شب برنامه‌ریزی افراد و امت‌هاست و نام قدر را بر همین اساس بر آن نهاده‌اند. شبی که انسان

می‌تواند راه صد ساله را یک شبه طی کند. باید عظمت این شب را درک کنیم.

بر اساس لطف، مرحمت و عنایت الهی این شب در دهه آخر رمضان و در حدود یک سوم پایانی این ماه قرار گرفته تا پس از اینکه دو دهه روزه‌داری و تمرین بندگی و جلای روح انسان وارد این مهم‌ترین شب سال شود و بتواند مقدرات بهتری برای خود و امت رقم بزند.

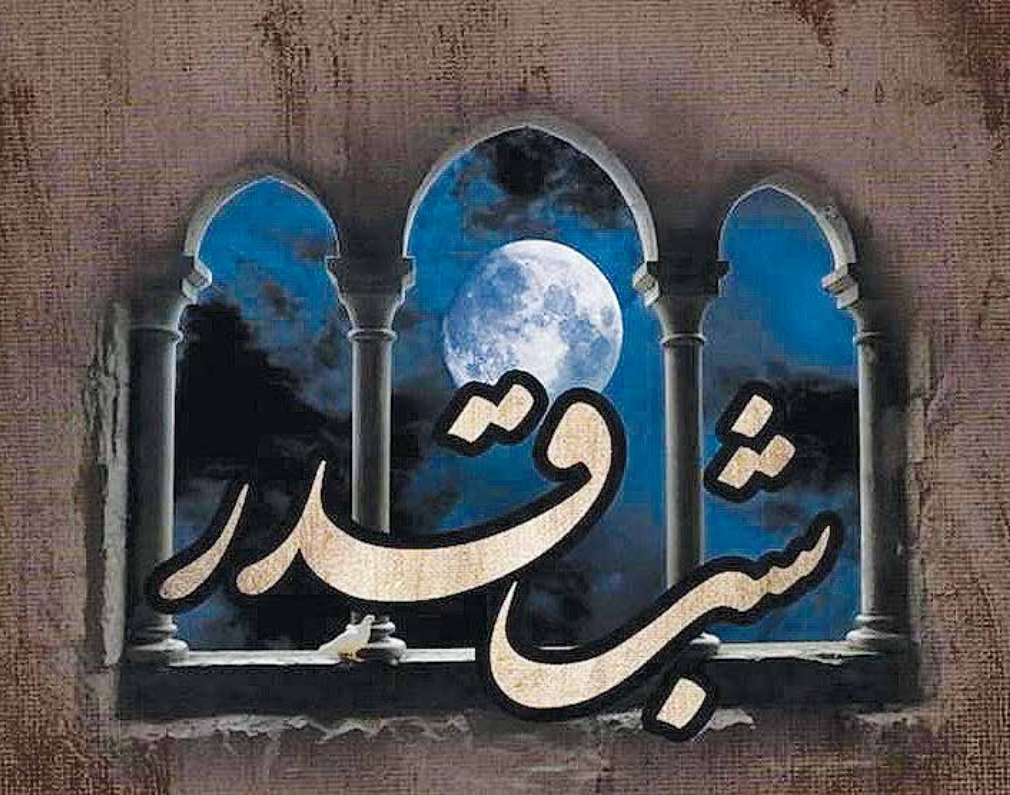
با توجه به اهمیت این شب در این نوشتار کوتاه سه پیشنهاد مهم را برای شب قدر مطرح می‌کنیم تا بتوانیم از چنین فضا و لحظاتی، استفاده حداکثری ببریم. چرا که لحظه لحظه شب قدر قیمت دارد و ارزان‌فروشی و غفلت برای ما خسارت محض است.

اولین نکته شکر است. تشکر از خدا و سپاسگزاری از او که به ما عمر داد تا یک بار دیگر شب قدر را درک کنیم.

سپاسگزاری نتیجه‌اش این است که خداوند نعمت را استمرار می‌دهد و می‌افزاید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...»

اولین کار ما در شب قدر شکر است که با نماز و سجده آن را انجام دهیم. البته شکر هر





نعمت سه جنبه دارد؛ دیدن نعمت و شناخت آن، توجه به منعم و ادای حق آن. حق نعمت شب قدر استفاده حداکثری از این نعمت است. دومین نکته شب قدر شب پاکسازی گذشته است؛ شب آشتی با خداست. به محضرش بگوییم پروردگارا نسبت به گذشته ما «شتر دیدی ندیدی» و از همه گناهان و لغزش‌هایی که ممکن است در طول این یک سال داشتیم، درگذر. به تعبیر دقیق‌تر توبه کنیم. توبه، یعنی بازگشت انسان فراری به سوی خدا و بازگشت به اصل و حقیقت انسانی. نکته ظریفی در مسئله توبه وجود دارد؛ توبه توفیق می‌خواهد، باید توفیق توبه را از خدا بخواهیم؛ چون در روایات داریم که اگر خدا نخواهد انسان توفیق به توبه پیدا نمی‌کند. از خدا بخواهیم بر ما توجه کند تا قوت و قدرت توبه را داشته باشیم. این پاکسازی در واقع آماده‌سازی جسم و روح برای نیل به اهداف مهم شب قدر است.

نکته سوم در شب قدر از خدا بخواهیم که بعد از اینکه گذشته ما را پاک کرد و توبه را پذیرفت، آینده و عاقبت ما را هم خودش به دست بگیرد. بنده توانایی ندارد که به تنهایی و با تکیه به خود در این مسیر مستقیم ثابت قدم باشد. تعبیر ظریفی است که می‌گوید: «کار را که کردی آنکه تمام کردی»، از خدا بخواهیم تا اینجا که به ما توفیق داده تا در شب قدر در محضرش باشیم، از این به بعد را هم از او بخواهیم خود او متکفل امر ما باشد. «رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا»

در این میان خداوند متعال ما را بی‌وسيله رها نکرده است و بر سر راه ما ثقلین، یعنی قرآن و عترت را قرار داده است.

چه زیباست که در شب قدر کتاب خدا را بر سر می‌گیریم و به نام او پیامبرش (ص) و یک یک اهل بیت (ع) پیامبر قسم می‌دهیم. همه اینها برای این است که در شب قدر بتوانیم به جایی برسیم و به گونه‌ای از خدا بخواهیم که آینده ما را در صراط مستقیم، بندگی خود و در مسیر اهل بیت عصمت و طهارت قرار دهد.

مؤمنان برای برادران مؤمن هم در این شب اهمیت دارد.

قدر شب‌های قدر را بدانیم. بعد از مرگ در یوم‌الحسرت بیشترین حسرت برای تلف شدن اوقاتی از ایام‌الله است، چه زمان نایب، همچون شب قدر که باید قدر می‌دانستیم و چه کارهای بزرگی که می‌توانستیم انجام دهیم، اما غفلت کردیم.

در کنار اینها در شب قدر به فکر دیگران هم باشیم. هم اطرافیان، هم ملت ایران و هم امت اسلام را دعا کنیم. دعا کنیم خداوند کمک کند تا اینجا که با نصرت خدا آمده‌ایم، از این به بعد هم این توفیق و نصرت الهی را داشته باشیم و دعا کنید بتوانیم امامت‌داری کنیم و در این انقلاب با زمینه‌سازی برای ظهور مہیای ظهور امام زمان و تحویل پرچم به ایشان شویم.

از طرفی این نکته را هم باید بگوییم در شب قدر هر کس ظرفی دارد که به طلب و گدایی سوی خدا دراز می‌کند. باید این ظرف را به درستی و از سمت درست نگه داشت و از خدا طلب حاجت کرد؛ مانند بارانی که بر سر همه می‌ریزند، آن کس که ظرف بزرگ‌تری دارد و سمت ظرف را درست از بالا به سوی آسمان گرفته، بهره بهتری می‌برد. مواظب اندازه و جهت نگهداری این ظرف باشیم.

یک موضوع مهم شب قدر بحث دعاست. در امر دعا به‌نظر می‌رسد کیفیت و بهره‌وری بر کمیت باید غلبه داشته باشد.

کیفیت و بهره‌وری به تعبیری بالا برندگی دعاست و از سویی شنیده شدن دعا. امیرالمؤمنین (ع) در دعای خضر نبی موسوم به دعای کمیل از داعی که در درگاه الهی شنیده نمی‌شود، به خدا پناه می‌برد.

در واقع، آنجایی که ایجاد لذت معنوی بالا رفته و ان‌شاءالله همه ما به جایی برسیم که لذت معنوی دعا و مناجات‌مان بر لذایذ دنیوی غالب شود و دیگر دنیا برای مان جاذبه نداشته باشد و سبکبال شویم و آماده پرواز.

از این نکته هم غافل نباشیم که دعای

شب قدر شب پاکسازی گذشته است؛ شب آشتی با خداست. به محضرش بگوییم پروردگارا نسبت به گذشته ما «شتر دیدی ندیدی» و از همه گناهان و لغزش‌هایی که ممکن است در طول این یک سال داشتیم، درگذر. به تعبیر دقیق‌تر توبه کنیم



ف نوروز

نماد اصیل سنت ایرانی - اسلامی

داوود عامری | نوروز با وجود این همه تحولات راز ماندگاری نوروز با وجود این همه تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نگرش‌های مذهبی نخیکی در ایران فرهنگی، به انطباق آن با فطرت و عقل مربوط می‌شود، به طوری که ملاحظه می‌گردد با ورود اسلام به ایران، این سنت بر اساس آموزه‌های پیامبر اسلام که می‌فرماید: «کسی که سنت و روش نیکویی را پایه گذارد، تا روز قیامت هر کس به آن عمل کند، اجر و ثواب به او می‌رسد.» مورد توجه آموزه‌های اسلامی نیز قرار گرفت، لذا عید نوروز همانند تمام سنت‌های حسنه‌ای که مورد تأیید اسلام بوده‌اند، به جهت پایه‌های عقلایی و انسانی، مورد تأیید قرار گرفته و به مرور زمان مطابق با آیین جدید ایرانیان، تأسیساتی نیز در آن ایجاد شد که امروزه بی‌هیچ اغماضی باید، نوروز را یک

سنت ایرانی - اسلامی نامید.

مرور آداب جشن نوروز در روزگار حال نیز نشان می‌دهد که این سنت از نمادها و آرایه‌های مذهبی - ملی شکل گرفته است که نگاهی گذرا به آن‌ها این ادعا را به وضوح ثابت خواهد کرد، لذا در ادامه مطلب، گذری کوتاه و البته کلی به سنت‌های نوروز می‌کنیم.

۱- خانه تکانی: سنت خانه تکانی از یک سو اهمیت نظافت و رعایت بهداشت و تمیزی در محیط زندگی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نشان‌دهنده علاقه و اهتمام ایرانیان به زندگی در محیط تمیز و بهداشتی است. در واقع انجام مطالعات تطبیقی در خصوص اهمیت دادن به نظافت و تمیزی محیط خانه در بین ملت‌های مختلف، نشان می‌دهد که ایرانیان به پاکیزگی محیط زندگی خود اهمیت بیشتری می‌دهند.

۲- خرید و نو شدن: این سنت از یک سو باعث ایجاد نشاط در جامعه شده و مردان و زنان را از تمام اقشار راهی مراکز خرید می‌کند و از سوی دیگر تولیدکنندگان و فروشندگان با برنامه‌ریزی برای عرضه کالاهای مختلف، فضای کسب و کار خود را رونقی دو چندان می‌بخشند. لذا صرف نظر از برخی عادت‌های نادرست مثل تجمل‌گرایی و فرصت طلبی برخی برای گرانفروشی، جامعه ما در آستانه سال نو، از لحاظ نشاط اجتماعی در بالاترین سطح خود قرار دارد و به علت رونق بازار کسب و کارهای مختلف، مواجهه با کمترین شرایط بیکاری در جامعه هستیم. لذا این سنت نیکو، به بسیاری از کسب و کارها رونق و باعث ایجاد اشتغال فصلی برای بسیاری از جوانان و کارگران می‌گردد و نظمی به خرید سالانه مردم می‌دهد که از محسنات سنت

خرید سال نو است و دیدن هموطنان در جامه‌های نو به خصوص کودکان و نوجوانان، خود منظره‌ای روح افزا است که تغییر و توجه به نو شدن را به همه ما یادآوری می‌کند که ضرورتی در زندگی است.

۳- زیارت اهل قبور: گفتیم که نوروز یک سنت و جشن آیینی- مذهبی است، لذا قبل از ورود به سال نو و شروع جشن نوروز، یکی از سنت‌های مذهبی مورد توجه عموم مردم ایران، زیارت اهل قبور و درگذشتگان خانواده است. این سنت یادآور عدم فراموشی درگذشتگان و گرامیداشت همه کسانی است که در گذشته، جشن نوروز را در کنار آن‌ها جشن می‌گرفتیم و به یاد تمام نیکی‌ها و شادی‌هایی که با عزیزان آرمیده در آرامستان‌های ابدی داشته‌ایم، فاتحه‌ای نثار روحشان می‌کنیم و با این عمل ضمن رشد روح قدرشناسی در جامعه، همه انسان‌ها را با یادآوری رستخیز طبیعت به رقت روحی و معنوی معاد رهنمون می‌شود.

۴- حضور در در کنار خانواده و...: حضور خانواده‌های ایرانی در کنار هم در لحظه تحویل سال نواز همیت ویژه‌ای برخوردار است، بطوری که یکی از دلایل مهم افزایش سفرهای نوروزی، عزیمت ساکنان شهرهای بزرگ به محل تولد خود و جمع شدن همه اعضای خانواده دور هم است. علاوه بر خانواده، حضور در مراکز مذهبی و دینی از دیگر اماکنی است که خانواده‌های ایرانی در لحظه تحویل سال به همراه خانواده خود در این مکان‌ها حاضر می‌شوند، به طوری که مساجد و به خصوص اماکن متبرکه‌ای همچون حرم امام رضا(ع)، شاهچراغ در شیراز و شاه عبدالعظیم در شهرری، در لحظه تحویل سال مملو از جمعیتی عظیم می‌شوند که غالباً خانوادگی در این بقاع متبرک حاضر می‌شوند.

۵- کمک به نیازمندان: سه برهه خاص در ایران است که مردم ما در این روزها بیشتر از همیشه به هموعان نیازمند خود کمک

می‌کنند. این سه مقطع زمانی عبارتند از دهه اول ماه محرم، ماه مبارک رمضان و آغاز سال نو. دو بازه زمانی اولی رویدادهای مذهبی هستند و رویداد سوم، ناشی از دمیده شدن روح معنویت دینی در سنت حسنه عید نوروز است که شمایی زیبا از نوع دوستی و سخاوت انسان‌ها را همراه با بهاری شدن طبیعت به نمایش می‌گذارد. در واقع با ظهور خصلت‌های انسان دوستانه، نوروز به جشن مهربانی و صلح و خیرخواهی تبدیل می‌شود.

۶- سفر: صرفنظر از استثناء سال‌های محدودیت به واسطه شیوع ویروس منحوس کرونا، سفر کردن در ایام نوروز، سنت حسنه‌ای است که در آن خانواده‌های ایرانی ضمن آشنایی با مناطق مختلف کشور عزیزمان، تجارب مختلفی نیز اندوخته سالیان عمر خود می‌کنند که در جای خود بسیار با ارزش است. ازسوی دیگر، یکی از برکات اقتصادی نوروز به مردم ساکن در مکان‌های گردشگری، سنت سفر در نوروز است که ضمن ایجاد اشتغال، به توسعه مناطق مختلف خارج از شهرهای بزرگ کمک می‌کند و منجر به تعامل تعالی بخش فرهنگی در بین اقوام و خانواده‌های ایرانی می‌شود.

۷- سنت دید و بازدید: در روزگار ما به سمت بیگانگی خانواده‌ها از همدیگر و کم شدن رفت و آمدهای خانوادگی در حرکت است. به جرأت می‌توان گفت که رفت و آمد بسیاری از خانواده‌ها در بین مردم به

حضور در مراکز مذهبی و دینی از دیگر اماکنی است که خانواده‌های ایرانی در لحظه تحویل سال به همراه خانواده خود در این مکان‌ها حاضر می‌شوند، به طوری که مساجد و به خصوص اماکن متبرکه در لحظه تحویل سال مملو از جمعیتی عظیم می‌شوند

خصوص در مناطق شهری منحصر به ایام نوروز و دید و بازدید عید نوروز شده است که متأسفانه امسال مواجه با دومین سال شیوع بیماری کرونا هستیم که به ناچار مجبوریم این سنت دیرینه اسلامی-ایرانی را به دید و بازدید مجازی توصیه کنیم و حتماً همدیگر را یاد کنیم که این سنت اجتماعی بزرگی است. صله رحم، یکی از سنت‌های موکد در اسلام و دید و بازدید عید از سنت‌های انسانی و خوب سال نو است که در آن، انس و الفت بین اقوام و دوستان محکم‌تر و قوی‌تر می‌شود و حفظ این سنت باعث حفظ پیوندهای خانوادگی در نسل‌های جدید و آشنایی فرزندان خانواده‌های بزرگ و سنتی ایرانی با همدیگر می‌گردد.

۸- روز طبیعت: نوروز، جشن شادمانی انسان و طبیعت در یک اعتدال بهاری است که نو شدن سال و پوشیدن جامه سبز برتن طبیعت و قبای شکوفه برتن درختان، نشاط و فرحبخشی خاصی به آغاز سال نو ایرانی می‌دهد. لذا آغاز جشن نوروز با بهاری شدن سال و پایان آندر پیوند با طبیعت در روز سیزده بدر است و همگان به پاس تشکر از خالق بهار، از خانه‌های خود بیرون آمده و هم نوا با طبیعت سبز و زیبایی فروردین، به امید روزهای سبز و با طراوت، اختتامیه نوروزگان را در دل طبیعت برگزار می‌کنند.

بی تردید پرداختن به آیین‌های محلی و جزئیات سنت نوروزی از بازی‌ها گرفته تا غذاهای سنتی و این مطلب را از حوصله یک یادداشت خارج خواهد کرد، لذا با ذکر این نکته که نوروز یک سنت انسانی و بشردوستانه است که به علت انطباق با آموزه‌های اصیل و فطری مذاهب و ادیان، نه تنها به حیات خود ادامه می‌دهد، بلکه ظرفیت آن را دارد که به عنوان یک جشن و آیین بشردوستانه به صورت جهانی برای تحکیم و تقارب فرهنگ‌ها و ایجاد احساس برادری در بین مسلمانان و همه انسان‌ها تبدیل شود و این مهم بر دوش نخبگان و کارگزاران فرهنگی ایران است.

ایستگاه ف

پس مردم کجا هستن؟

آیا می دانید
آمریکا کشوری است که...
کشوری که قانون اساسی اش
به تصویب مردمش نرسیده
۲۰۰ سال است به غیر از دو
حزب موجود، هیچ حزب و
شخصی خارج از این دو حزب
به حاکمیت نرسیده.
کشوری که اعضای هیأت
دولتش بدون رأی اعتماد از
کنگره به وزارت می رسد.
کشوری که وزرای دولتش وزیر
مشاور هستند و رای مستقل در
هیأت دولت ندارند.
کشوری که مصوبات هیأت
دولتش به تصویب کنگره
نمی رسد. کشوری که مصوبات
هیأت دولتش فقط تصمیم
رئیس جمهور است و نه هیأت
وزیران.
کشوری که رئیس جمهور
می تواند تصمیم کنگره را وتو
کند. کشوری که رئیس قوه
قضائیه کشور هم توسط رئیس
جمهور تعیین می شود.
اینها ساختار دیکتاتوری
ساختاری است که با کمک
رسانه، تبدیل به دیکتاتوری
مدرن شده طوری که کسی او
را دیکتاتور نداند.

یادداشتک ف

نفوذ در سپاه

قطعاً یکی از مهمترین عنايات ویژه‌ی
خداوند به ملت شهید پرور ایران،
تشکیل «سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی» بود. دشمن میدانست که
سپاه پاسداران، قوی ترین بازوی
ولایت فقیه خواهد بود؛ لذا از همان
ابتدای تشکیل این نهاد مقدس،
نهایت تلاش خود را برای نفوذ در آن،
انجام داد.
اولین اقدام دشمن این بود که
حکم اولین سرپرست سپاه را به
اسم «شیخ حسن لاهوتی» از امام
خمینی رحمت الله علیه گرفتند! این
شیخ زجرکشیده اما بی بصیرت، هم
بند منتظری و هاشمی رفسنجانی در
زندان های طاغوت بود. پسران این
شیخ، با دختران هاشمی رفسنجانی
ازدواج کردند!
وحید لاهوتی، پسر شیخ حسن، عضو
سازمان مجاهدین خلق بود و در زمان
سرپرستی پدرش در سپاه پاسداران،
اسلحه های زیادی را از سپاه خارج
کرد و به دست منافقان داد.
دومین اقدام دشمن برای نفوذ در
سپاه، عضویت دادن سید مهدی
هاشمی جلاد (برادر داماد منتظری) در
شورای فرماندهی سپاه بود.
سید مهدی هاشمی، به عنوان واحد
نهمت های آزادیبخش، اسلحه ها را از
سپاه خارج و با کمک باند کثیف خود،
پاسداران و نیروهای ارزشی را به قتل
رساند.
امروز سپاه در برابر نقشه ها و
طراحی های دشمن آگاهی کامل دارد.
و این است راز توصیه امام خامنه ای
ارواحناfade که: «به هیچ وجه نگذارید
سپاه پیر و محافظه کار شود.»

دلباخته امام خامنه‌ای

خاطراتی از دوستان و نزدیکان شهید سید مرتضی آوینی

لبخند خامنه‌ای شفقت صبح است

دلباخته رهبری بود، بعد از ارتحال امام اینگونه در نوشته‌هایش با رهبرش بیعت کرد:

«عزیز ما! ای وصی امام عشق! آنان که معنای ولایت را نمی‌دانند در کار ما سخت درمانده‌اند، اما شما خوب می‌دانید که سرچشمه‌ی این تسلیم و اطاعت و محبت در کجاست. خودتان خوب می‌دانید که چقدر شما را دوست می‌داریم و چقدر دلمان می‌خواست آن روز که به دیدار شما آمدیم، سر در بغل شما پنهان کنیم و بگرییم.

ما طلعت آن عنایت ازلی را در نگاه شما بازیافتیم.

لبخند شما شفقت صبح را داشت و شب انزوای ما را شکست.

سر ما و قدمتان، که وصی امام عشق هستید و نایب امام زمان.»

حضرت زهرا فرمود: با بچه من چه کاری؟

من به وقتی سر چند شماره از مجله سوره نامه تندی به سید نوشتم که یعنی من رفتم و راهی خانه شدم. حالم خیلی خراب بود. حسابی شاکمی بودم. پلک که روی هم گذاشتم بی‌بی فاطمه (س) را به خواب دیدم و شروع کردم به عرض حال و نالیدن از مجله، که فرمود با بچه من چه کاری؟ من باز از دست حوزه و سید نالیدم، باز بی‌بی فرمود: با بچه من چه کاری؟ برای بار سوم که این جمله را از زبان مبارک بی‌بی شنیدم، از خواب پریدم. وحشت سراپای وجودم را فرا گرفته بود و اصلاً به خود نبودم تا اینکه نامه‌ای از سید دریافت کردم. سید نوشته بود: «یوسف جان! دوست دارم. هر جا می‌خواهی بروی، برو! هر کاری که می‌خواهی بکنی، بکن! ولی بدان برای من پارتی بازی شده و اجداد ما هوایم را دارند.» دیگر طاقت نیاوردم و راه افتادم به سمت حوزه و عرض کردم سید پیش از رسیدن نامه‌ات خبر پارتی‌ات را داشتیم و گفتم آنچه را آن شب در خواب دیده بودم. یوسفعلی میرشکاک

داد زد خدا لعنت کند

احتمالاً زمستان سال ۶۸ بود که در تالاراندیشه فیلمی را نمایش دادند که اجازه اکران از وزارت ارشاد نگرفته بود. سالن پر بود از هنرمندان، فیلمسازان، نویسندگان و... در جایی از فیلم آگاهانه یا ناآگاهانه، داشت به حضرت زهرا(س) بی‌ادبی می‌شد. من این را فهمیدم. لابد دیگران هم همین طور، ولی همه لال شدیم و دم بر نیاوردیم. با جهان بینی روشنفکری خودمان قضیه را حل کردیم. طرف هنرمند بزرگی است و حتماً منظوری دارد و انتقادی است بر فرهنگ مردم اما یک نفر نتوانست ساکت بنشیند و داد زد: خدا لعنت کند! چرا داری توهین می‌کنی؟! همه سرها به سویش برگشت در ردیف‌های وسط آقایانی بود چهل و چند ساله با سیمایی بسیار جذاب و نورانی. کلاهی مشکی بر سرش بود و اورکتی سبز بر تنش. از بغل دستی‌ام (سعید رنجبر) پرسیدم: آقا را می‌شناسی؟ گفت: سید مرتضی آوینی است. رضا رهگذر

زندگی و نماز

به نماز سید که نگاه می‌کردم، ملائک را می‌دیدم که در صفوف زیبایی خویش او را به نظاره نشسته‌اند. رو به قبله ایستادم. اما دلم هنوز در پی تعلقات بود. گفتم: «نمی‌دانم، چرا من همیشه هنگام اقامه نماز حواسم پرت است.» به چشمانم خیره شد. گفت: مواظب باش! کسی که سرنماز حواسش جمع نباشد، در زندگی نیز حواسش اصلاً جمع نخواهد شد. گفت و رفت. اما من مدت‌ها در فکر ارتباط میان نماز و زندگی بودم. بار دیگر خواندم، اما نماز سید مرتضی چیز دیگری بود. اکبر بخشی



روز حکومت الله در ایران

به بهانه ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی و رای آری مردم به نظام

ما را نگذارند شکوفا بشود. شما جوانان، شما ملت ایران، باید حفظ کنید وحدت خودتان را. اتکال به قرآن، اتکال به خدای تبارک و تعالی پیدا بکنید؛ با وحدت کلمه و اتکال به خدای تبارک و تعالی پیشروی کنید. »

امام خمینی (ره) ادامه دادند: «فردا روز فرزندان است؛ روزی است که مقدرات شما تعیین خواهد شد. روزی است که یا اسلام پیش می‌برد و یا کفر. روزی است که «آری» اسلام است و «نه» خلاف اسلام. روزی است که «آری» سرنوشت سعادت‌مند برای شما تهیه می‌کند و «نه»، شما

برگزاری فرمانروای جمهوری اسلامی در مورخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ در دیدار با آحاد مختلف مردم، گفتند: «... ما در بین راه هستیم. ما باید همه با هم این نهضت را پیش ببریم. شما - برادر و خواهر - دنبال این نهضت باشید و نگذارید این نهضت به سردی و سستی برسد. من خوف آن دارم که اگر خدای نخواستہ اختلاف بین اقشار ملت ما پیدا بشود که، مسائل سابق عود کند؛ من از آن می‌ترسم که باز دژخیمان بر ما مسلط شوند؛ من از آن می‌ترسم که باز ذخایر ما را ببرند؛ من از آن می‌ترسم که باز نیروی انسانی

رهبر فقید انقلاب اسلامی پس از ورود به کشور در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ شرط پیروزی مطلق و نهایی انقلاب اسلامی را کوتاه شدن دست مزدوران و ته‌مانده‌های وفادار به رژیم پهلوی از ساختار اداری و نظامی کشور اعلام کردند. ایشان در پیامی شش‌بندی از آحاد مردم خواستند «به افرادی که با ماسک انقلابی از رژیم منقرض پشتیبانی می‌کنند و نهضت را بد نام می‌کنند، مهلت فعالیت ندهند و ابتکار عمل را در دست داشته باشند. »

بنیانگذار جمهوری اسلامی سه روز قبل از

را برمی گرداند به حال اول. «آری» بگویید. من «آری» می گویم. من جمهوری اسلامی را به جان و دل «آری» می گویم و از شما خواهران و برادران می خواهم که بروید و «آری» بگویید. بروید و آن ورقی که در آن «آری» نوشته است در صندوق بیندازید. سعادت شما این است و کشور شما با این «آری» مستقل خواهد شد. با این «آری»، شما آزاد خواهید شد و خدای نخواستہ اگر چنانچه سستی بکنید یا تبلی در این امر بشود که نروید دنبال رأی دادن، من خوف آن را دارم که خدای نخواستہ به شکست بربخوریم و باز مسائل سابق عود کند. بر همه ماست که برویم و رأی بدهیم. در خانه‌ها ننشینید فردا، فردا بیرون باشید از خانه‌ها؛ ملت ایران فردا بیرون باشند از خانه‌ها و بروند به صندوق‌ها، رأی بدهند. من رأی آری می‌دهم و از شما تمنا دارم که رأی آری بدهید. خداوند همه شما را سلامت و سعادت بدهد و پیروزی عنایت فرماید و جمهوری اسلام را در ایران مستقر کند. »

پس از برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، امام خمینی(ره) در پیامی ملت را «اُتمه و پیشوای ملت‌های مستضعف» عنوان کردند و روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ را به دلیل حضور ۹۸٫۲ درصدی مردم برای رأی به نظام جمهوری اسلامی مورد ستایش قرار داده و آنان را امام امت اسلامی و روز ۱۲ فروردین را روز فتح و ظفر ملت نام نهادند.

ایشان در این پیام بیان کردند: «من به ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ شاهنشاهی، که با استکبار خود آنان را خفیف شمردند و بر آنان کردند آنچه کردند، صمیمانه تبریک می‌گویم. خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را اُتمه و پیشوای ملت‌های مستضعف کرد، و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حق را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌کنم. به دنیا اعلام می‌کنم که در تاریخ ایران

چنین رفراندومی سابقه ندارد که سرتاسر مملکت با شوق و شغف و عشق و علاقه به صندوق‌ها هجوم آورده و رأی مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه در زباله‌دان تاریخ دفن کنند. »

امام خمینی(ره) ادامه دادند: «مبارک باد بر شما روزی که پس از شهادت جوانان برومند و داغ دل مادران و پدران و رنج‌های طاقت‌فرسا، دشمن غول صفت و فرعون زمان را از پای درآوردید، و با رأی قاطع به جمهوری اسلامی، حکومت عدل الهی را اعلام کردید. حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند و نور عدالت الهی بر همه و همه به یک طور می‌تابد، و باران رحمت قرآن و سنت بر همه کس به یکسان می‌بارد. مبارک باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست. همه برادر و برابرند؛ فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است. مبارک باد بر شما روزی که در آن تمام اقشار ملت به حقوق خود می‌رسند، فرقی بین زن و مرد و اقلیت‌های مذهبی و دیگران در اجرای عدالت نیست. طاغوت دفن شد و طغیان و سرکشی به دنبال او دفن می‌شود، و کشور از چنگال دشمن‌های داخلی و خارجی و چپاولگران و غارت پیشگان نجات یافت. اینک شما ملت شجاع، پاسداری جمهوری اسلامی هستید. اینک شما هستید که باید این اثر الهی را با قدرت و قاطعیت حفظ کنید و نگذارید بقایای

رژیم متعفن که در کمین نشسته‌اند و طرفداران دزدان بین‌المللی و نفت‌خواران مفت‌خوار در بین صفوف فشرده شما رخنه کنند. اینک شما باید مقدرات خود را به دست بگیرید و مجال به فرصت طلبان ندهید، و با قدرت الهی که مظهر آن جماعت است، قدم‌های بعدی را بردارید، و با فرستادن طبقه فاضله و امنای خود در مجلس مؤسسان، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب برسانید، و همان طور که با عشق و علاقه به جمهوری اسلامی رأی دادید، به امنای امت رأی دهید تا مجالی برای بداندیشان نماند. صبحگاه ۱۲ فروردین - که روز نخستین حکومت الله است - از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگه دارند. روزی که کنگره‌های قصر ۲۵۰۰ سال حکومت طاغوتی فرو ریخت، و سلطه شیطانی برای همیشه رخت بربست و حکومت مستضعفین که حکومت خداست به جای آن نشست. »

ایشان تصریح کردند: «هان ای ملت عزیز که با خون جوانان خود حق خود را به دست آوردید، این حق را عزیز بشمرید و از آن پاسداری کنید، و در تحت لوای اسلام و پرچم قرآن، عدالت الهی را با پشتیبانی خود اجرا کنید. من با تمام قوا در خدمت شما که خدمت به اسلام است، این چند روز آخر عمر را می‌گذرانم، و از ملت انتظار آن داریم که با تمام قوا از اسلام و جمهوری اسلامی پاسداری کنند. »

امام امت در این پیام خطاب به دولتمردان تأکید کردند: «من از دولت‌ها می‌خواهم که بدون وحشت از غرب و شرق، با استقلال فکر و اراده، باقیمانده رژیم طاغوتی را که آثارش در تمام شئون کشور ریشه دارد پاکسازی کنند، و فرهنگ و دادگستری و سایر وزارتخانه‌ها و ادارات که با فرم غربی و غریب‌دگی به پا شده است به شکل اسلامی متحول کنند، و به دنیا عدالت اجتماعی و استقلال فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را نشان دهند. از خداوند تعالی عظمت و استقلال کشور و امت اسلامی را خواستارم. »

*** صبحگاه ۱۲ فروردین - که روز نخستین حکومت الله است - از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگه دارند. روزی که کنگره‌های قصر ۲۵۰۰ سال حکومت طاغوتی فرو ریخت ***

گرهی که به دست امام باز شد

فرماندهان ارتش و سپاه در قرارگاه عملیاتی کربلا خود را برای عملیات فتح‌المبین آماده می‌کردند که دشمن پیش‌دستی کرده و از چند محور به آن‌ها حمله کرد. کار به هم گره خورد و چاره کار به دست امام بود. شهید علی صیاد شیرازی حکایتی متفاوت از این ماجرا دارد.

سپهبد صیاد شیرازی که سال‌های متمادی از عمرش را در راه خدا به مجاهده گذراند و در آن مقطع فرمانده نیروی زمینی ارتش بود، در خاطرات خود به راهنمایی‌های امام و هدایت‌های ایشان در عملیات فتح‌المبین پرداخته و اینگونه گفته است:

«بعد از نصرت و پیروزی که خداوند متعال در نبرد طریق‌القدس نصیب رزمندگان اسلام کرد، نبرد سراسر معنویت بعدی، نبرد فتح‌المبین بود. خاطره‌ای از امام بزرگوارمان دارم که بیانگر آن است که در این نبرد چقدر روحیه، تفکر و راهنمایی و هدایت آن بزرگوار نقش سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده‌ای برای رزم ما داشت.

با تلاش حدوداً سه ماهه، برنامه این نبرد را طرح‌ریزی کرده و نیروهای مان را از ابعاد مختلف مجهز کردیم. بعد از آموزش و سازماندهی، آن‌ها را در چهار محور عین خوش، پل نادری دزفول، شوش و رقابیه متمرکز کرده بودیم. برای اینکه ترکیب مقدس ارتش و سپاه در قرارگاه کربلا به یک طرح واحد عملیاتی برسند، چقدر بحث و گفت‌وگو صورت گرفت، خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبید. برای اجرای عملیات

موضوعی برای ما ایجاد نگرانی کرده بود و آن وضعیت ماه در آسمان بود که ما بایستی در شب‌های مهمتایی عمل می‌کردیم که این مهتاب اواسط شب از نور کمی برخوردار باشد و اواخر شب تقریباً غروب کند. اسفند ماه بود و طبق محاسباتی که داشتیم، این شرایط در هفته - هجده فروردین ماه فراهم می‌شد. گرم این محاسبات بودیم که دشمن پیش‌دستی کرد و قبل از اینکه ما به او حمله کنیم زودتر به ما حمله کرد.

فشار آتش زیاد بود و ما برای مقابله با آتش، مهمات کافی نداشتیم. خلاصه عرصه بر رزمندگان تنگ می‌شد. تا آمدیم این خطر را دفع کنیم، خطر دوم پیش آمد، آن هم در محور رقابیه. دشمن آنجا ضمن ریختن آتش سنگین پیشروی هم کرد و حدود دو کیلومتر وضعیت خودش را تغییر داد و جلوتر

آمد. بنابراین ما از آن طرح چهار محوری که داشتیم، دو محورش تقریباً خنثی شده بود و حوادث غیرمترقبه برای ما پیش آورد و باعث ناقص شدن طرح مان شد. دیگر آن طرح کاملی که داشتیم وجود نداشت. فشار آن قدر زیاد شد که در قرارگاه عملیاتی کربلا برادران ارتش و سپاه به این نتیجه رسیدند که ما در این شرایط سخت، در این تنگنایی که واقعاً نمی‌دانیم چه باید بکنیم؛ برویم از فرمانده معظم خودمان کسب تکلیف کنیم، که چکار باید کرد؟ حتی اگر قرار باشد عملیات هم صورت بگیرد، بهتر است از ایشان بخواهیم که استخاره هم بکنند که آیا عملیات بکنیم یا خیر؟ با آن وضعیت طرح ناقص و آن شرایط پیچیده، یا بایستی فرمانده محترم کل سپاه می‌رفت یا خود بنده که آن موقع مسئول نیروی زمینی ارتش بودم و نمی‌شد هر دو

نفرمان با هم برویم. باید یکی از ما در جبهه می‌ماندیم و اوضاع جبهه را کنترل می‌کردیم. قرار بر این شد که آقای محسن رضایی خدمت حضرت امام رفته و از ایشان کسب تکلیف کنند. برای اجرای این تصمیم، مسأله زمان بسیار حائز اهمیت بود و رفت و برگشت از منطقه دزفول تا تهران به وسیله ماشین و وقتی که صرف آن می‌شد، به هیچ‌وجه به صلاح نبود. مانده بودیم که چکار بکنیم.

سرهنک خلبانی از افسران بسیار شجاع نیروی هوایی در قرارگاه مسئولیت رابط نیروی هوایی را داشت - شهید حق‌شناس - ایشان مذاکرات ما را شنید و متوجه شد که چنین مشکلی داریم. گفت: اگر مایل باشید من به مسئولیت شما، با هواپیمای اف ۵ شکاری دو کابینه یک نفر از شما را ظرف بیست دقیقه به تهران می‌برم و بیست دقیقه هم برمی‌گردانم. منتهی چون تا حالا چنین کاری صورت نگرفته، مسئولیتش به عهده من نیست. باید خودتان مسئولیتش را قبول کنید.

برادرمان آقای رضایی پذیرفتند و گفتند: من حاضرم بروم. البته بعداً ما مطالعه کردیم، متوجه شدیم که واقعاً برای کسی که بخواهد توی هواپیمای شکاری، حتی بنشیند، کاری هم نکند بدون استفاده از تجهیزات، چقدر خطرات وجود دارد. چون با سرعت زیاد می‌رود حتی احتمال ایست قلبی هم وجود دارد. ولی به هر حال این خداوند متعال است که روحیه و توکل به رزمندگان و فرماندهان می‌دهد و این شجاعت و جسارت را به وجود می‌آورد. لذا ما دیدیم خیلی راحت این کار عملی شد.

برادرمان آقای رضایی ظرف بیست دقیقه رفتند به تهران و شاید مثلاً نیم ساعت هم طول کشید تا جماران رسیدند. ده - پانزده دقیقه هم خدمت حضرت امام (ره) بودند، نیم ساعته برگشتند تا فرودگاه و بیست دقیقه‌ای هم برگشتند تا دزفول.

حدوداً بعد از دو ساعت، آنچه را که ما می‌خواستیم انجام شود، صورت گرفت. حالا

طی این مدت چه انجام شد؟ این را از زبان برادرمان آقای رضایی باید شنید ولی آنچه که من در ذهنم مانده، این است که وقتی ایشان آمد دیدیم از چهره‌اش شادابی و نشاط و امیدواری و قوت قلب می‌بارد. همین خودش خیلی برای قرارگاه کربلا مهم بود، مطمئن شدیم که ایشان با دست پر آمده است. گفتیم خوب امام چه فرمودند؟ راهکاری دادند؟ آیا تاکتیک عملیاتی را به ما نشان دادند؟ گفت: نه، امام خیلی با آرامش، تشریح وضعیت سخت ما را گوش نمودند و تبسمی کردند و بعد از تبسم یک اطمینان قلبی دادند و فرمودند: «هیچ نگران نباشید و همچنان هم باید مصمم باشید که عملیات‌تان را انجام بدهید». درخواست کردم استخاره بکنند. گفتند: «استخاره لازم نیست ولی اگر مایلید که از قرآن هم قوت قلب بگیرید به نیت طلب خیر، قرآن را باز کنید و خداوند قلب‌تان را قوی بکند و حتماً موفقید انشاءالله.»

خوب ما باید همانی را که امام تکلیف کرده بودند، اجرا می‌کردیم. تکلیف اول ما این بود که عملیات را باید انجام بدهیم. همه یکپارچه مصمم شدیم که عملیات انجام شود. کسی را نداشتیم که شک و تردید داشته باشد. این در حالی بود که میدانستیم طرح‌مان، طرح ناقصی است. دوم اینکه طلب خیر را نیت کنیم و قرآن را باز نماییم که این صحنه در تاریخ ثبت شد. قرآن را که باز کردیم. به لطف خداوند متعال سوره فتح آمد و این برای ما خیلی پر معنا بود

امام خیلی با آرامش، تشریح وضعیت سخت ما را گوش نمودند و تبسمی کردند و بعد از تبسم یک اطمینان قلبی دادند و فرمودند: «هیچ نگران نباشید و همچنان هم باید مصمم باشید که عملیات‌تان را انجام بدهید»

و معلوم بود که خداوند اصلاً می‌خواهد حداکثر قوت قلب را به ما بدهد. آیات شریفه سوره فتح را یکی از برادران با صوت خوشی خواندند. برادران اشک شوق میریختند. واقعاً صحنه فراموش نشدنی بود، حالت عجیب خوشی پیدا کرده بودیم. بعد از خواندن این آیات همگی قوی‌تر، شاداب‌تر، مهیأ‌تر برای عملیات آماده شدیم.

عملیات را شروع کردیم. بلافاصله، همان شب اول عملیات رزمندگان ما موفق شدند از ارتفاعات شاوریه، به ستون بیایند و جاده پل نادری به طرف دهلران را قطع کنند و تپه‌های علی گره زد را بگیرند. از آن طرف هم در فاصله حدود شصت کیلومتری، در محور دیگر رزمندگان آمده و از ارتفاعات عبور کردند و هر چند در طرفین آن‌ها دشمن حضور داشت، توانستند پادگان و تنگه عین خوش را بگیرند و در آنجا مستقر شوند. و مراحل بعدی عملیات هم بسیار شکوهمند برگزار شد، آن هم با نام مبارک حضرت زهرا (س).

در آن عملیات حدود شانزده هزار نفر اسیر از دشمن گرفتیم. دو هزار کیلومتر مربع از زمین‌های میهن اسلامی آزاد شد و مقادیر بسیار زیادی غنایم به دست ما افتاد. دشمن منهزم از محور چنانچه به تنگه بلغازه و سپس به طرف فکه رفت و ما در ارتفاعات تینه مستقر شدیم و تنگه رقایبه، تنگه عین خوش، پادگان عین خوش، همه این‌ها به دست ما افتاد. آنقدر قوت قلب برای رزمندگان به وجود آمد که زمینه‌ساز شگفتی بعدی یعنی عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر شد. اساس این پیروزی لطف خدا بود، مدد الهی بود، نصرت الهی بود، آن همه معنویت و روحانیتی که در صحنه نبرد حاکم بود همه بر مبنای اخلاصی بود که رزمندگان اسلام داشتند و خداوند آنگونه دستگیری می‌کرد ولی جایگاه مقام ولایت و مسئولیت سنگین فرمانده کل قوا اینجا بیشتر برای ما نمودار شد که چگونه جبهه‌ها را هدایت می‌کند.»



قبله

رستاخیز استکبارستیزی مسلمان

مهدی نیک بین |||||
روز جهانی قدس آخرین جمعه ماه رمضان است که امام خمینی در سال ۱۳۹۹ قمری آن را روزی برای حمایت از مردم فلسطین دانستند و از مسلمانان جهان خواستند تا برای کوتاه کردن دست دولت اسرائیل و پشتیبانان آن با هم متحد شوند. در آن زمان ضمن حمایت بسیاری از چهره های آشنای در ایران، کشور های مسلمان متعددی نیز از این تصمیم حمایت کردند و آن را آغازی در جهت ظلم ستیزی علیه مسلمانان جهان دانستند.
مقام معظم رهبری نیز ضمن تاکید بر ادامه

دادن راه امام و آرمان های اسلام درباره روز قدس می فرمایند:
«اکنون، جمعه آخر ماه مبارک رمضان - که از سوی امام راحل عظیم ما رحمه الله روز قدس نامیده شده - در پیش روی ماست. [باید] روز قدس را و همه این ایام حساس را که لیلۃ القدر تاریخ اسلام است، به بیداری و هشیاری بگذرانیم و تا مطلع الفجر نجات ملت های مسلمان و مخصوصا ملت شجاع و مظلوم فلسطین، دست از تلاش نکشیم. این جانب امیدوارم ملت بزرگ ما در این روز قدس نیز مانند همیشه با حضور یکپارچه خود در خیابان ها و راه پیمایی تا محل

نمازهای جمعه، فریاد رسا و غریو رعدگون خود را به گوش جهانیان برساند و تکرار کند که امت امام خمینی عظیم، همواره در کنار فلسطین، و خصم دشمنان آن خواهد بود.»
پس در می یابیم که روز قدس صرفا یک نام نیست بلکه می توان از آن به عنوان استراتژی حضرت امام (ره) یاد کرد که سه پیام اصلی را با خود به همراه دارد:
هیچ کشوری بالاخص کشور مسلمانی نباید در جهان از ظلم و بی عدالتی رنج ببرد. یکی از لازمه های دفاع و جلوگیری از استبداد جهانی علیه ملت های مسلمان، اتحاد است.

فریاد مظلومان به گوش مردم جهان خواهد رسید حتی اگر دشمنان اسلام حاکمیت رسانه را در دست داشته باشند. حال برای آنکه بدانیم روز قدس از نظر تاریخی چه اهمیتی برای ما دارد و چه شد که رژیم صهیونیستی در فلسطین آغاز به فعالیت کرد در ابتدا باید نگاهی به نحوه تشکیل شدن آن و چرایی آن داشته باشیم.

چگونگی رشد سرطان صهیونیسم

با شروع جنگ جهانی اول و حمایت امپراطوری عثمانی از متحدین، تلاش بریتانیا و دیگر کشور های دارای سیاست همسو با این کشور را برای تجزیه امپراطوری عثمانی مضاعف کرد. انگلستان که نیروی اصلی برای درهم شکستن قدرت عثمانی بود نقشه تجزیه امپراطوری را به گونه ای طرح ریزی کرد که بتواند پس از پایان جنگ خود در خاورمیانه و خلیج فارس و شبه قاره هند را همچنان تامین کند. در همین راستا انگلیس سه نقشه کلی را برای خود در نظر گرفت:

ابتدا به مذاکره با ملی گرا های ناراضی عرب پرداخت و آن ها را با وعده ای ایجاد حکومت واحد عربی با خود همراه ساخت که اگر امپراطوری عثمانی سقوط کند شرایط ایجاد چنین حکومتی را برای آنان فراهم سازد. در طی یک مذاکره محرمانه تحت عنوان سایکس پیکو، طرح تجزیه امپراطوری عثمانی و تقسیم آن بین فرانسه و انگلیس ریخته شد.

مذاکره با صهیونیست ها نقشه سوم بود که بریتانیا در سر داشت چرا که در این مرحله انگلستان به حمایت ملی و معنوی یهودیان جهان نیاز داشت و. حاصل مذاکرات انگلستان با صهیونیست ها در طی سه سال از جنگ جهانی اول صدور اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷ میلادی بود که در آن وعده موطن ملی یهود به صهیونیست ها داده شده بود. در واقع صدور اعلامیه بالفور سرآغاز

قیومت انگلستان بر فلسطین بود.

صهیونیست ها در ۲۷ فوریه ۱۹۱۹ طرح خود درباره سرزمین خویش را به شورای عالی پاریس ارائه دادند که در این طرح آنان انگلستان را به عنوان قیم آینده فلسطین پیشنهاد کرده بودند. این موضوع بسیار جالب بود زیرا که صهیونیست ها که حتی صاحب یک وجب خاک هم نبودند از قیومت انگلستان حمایت می کردند و این بیانگر نقشه ی از پیش طرح ریزی شده ی انگلستان بود.

انگلستان که هم برای حفظ نفوذ خود در نقاط مختلف جهان طرح ریزی کرده بود و هم قصد داشت تا با دادن جغرافیایی مشخص صهیونیست ها را به دلایل مختلف از جمله وجود اختلافات گسترده ی دینی در محدوده ای دور از خود محدود کند چند سیاست کلی طی دوران قیومت مد نظر قرار داد که این سیاست ها شامل مواردی از قبیل تشویق مهاجرت یهودیان به فلسطین، تسهیل فروش زمین های اعراب به یهودیان و آموزش نظامی یهودیان توسط افسران انگلیسی می شد.

در انتها نیز طی درگیری های به وجود

صهیونیست ها در ۲۷ فوریه ۱۹۱۹ طرح خود درباره سرزمین خویش را به شورای عالی پاریس ارائه دادند که در این طرح آنان انگلستان را به عنوان قیم آینده فلسطین پیشنهاد کرده بودند. این موضوع بسیار جالب بود زیرا که صهیونیست ها که حتی صاحب یک وجب خاک هم نبودند از قیومت انگلستان حمایت می کردند و این بیانگر نقشه ی از پیش طرح ریزی شده ی انگلستان بود

آمده در فلسطین و ضعف بریتانیا در کنترل وضعیت دولت انگلستان اعلام کرد که نیروهایش را از خاک فلسطین خارج خواهد کرد و مسئولیت این کشور را به سازمان ملل واگذار خواهد کرد.

سرانجام نیز در ۱۹۴۷ میلادی سازمان ملل قطعنامه تقسیم فلسطین را با ۳۳ رای موافق در برابر ۱۳ رای مخالف و یک رای غایب و ۱۰ رای ممتنع در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رساند. مطابق این قطعنامه سرزمین فلسطین به دو کشور عبری و عرب تقسیم می شد و ۵۵ درصد اراضی آن به رژیم صهیونیستی تعلق گرفت و مقرر شد شهر بیت المقدس به صورت بین المللی اداره شود و در نتیجه بن گورین در تل آویو تشکیل دولت صهیونیستی را اعلام کرد.

بهره سخن

مسئله ای آشکار این است که کشور های غربی مانند انگلیس و فرانسه از هیچ تلاشی در طول تاریخ در جهت حفظ سلطه و نفوذ خود در جهان دریغ نکردند و همواره تلاش داشتند تا از مظلومیت ملل مختلف استفاده کرده و نتیجه ی دلخواه را برای خود به ارمغان بیاورند و همواره به کشتار های عظیمی که با تصمیماتشان سبب شکل گیری آن می شوند بی توجه بودند. ولی ظهور انقلاب اسلامی الگویی در جهت مقابله با ظلم و استبداد برای اولین بار با چنین قدرتی در جهان پدید آورد و همین کشور ها طی جنگ تحمیلی تلاش کردند تا این انقلاب بی مانند را از پای در آورند و این بار شکست را زود تر آنچه که فکر می کردند تجربه کردند.

با توجه به این موارد ایستادگی در برابر ظلم برای هر مرد و زن مسلمانی نه تنها یک اصل بلکه یک باور اصیل است و باید از این ارزش ها دفاع کرد زیرا که حال این مسئله بخشی از هویت مسلمان ایرانی و انقلابی است و لبیک گفتن به فریاد هر مسلمان مظلومی در این عالم وظیفه ی ملی و شرعی ماست.

عید پاکي

نگاهی به سیره تربیتی امام سجاد(ع) در عید فطر

عبدالکریم پاک‌نیا

با مروری کوتاه به سیره تربیتی ائمه اطهار(ع) در می‌یابیم که آن بزرگواران از ماه مبارک رمضان به عنوان یک دانشگاه تربیتی بهره گرفته و با پرورش شاگردان و انسانهای با استعداد در روز عید فطر هدایا و جوایز مادی و معنوی به آنان عطا می‌کردند و به این ترتیب این ماه را به یک آموزشگاه و کلاس پرورش روح و جسم و اخلاق تبدیل کرده و به پرورش یافته گان این مکتب در محدوده وسع و اختیاراتش نسبت به شایستگی افراد، عطایائی در نظر گرفته و آنان را تشویق می‌کردند. در اینجا گوشه‌ای از سیره تربیتی و آموزنده امام سجاد(ع) را به روایت سیدبن طاووس می‌خوانیم:

امام صادق(ع) فرمود: شیوه حضرت علی

بن الحسین(ع) در ماه رمضان چنان بود که هرگاه غلامان یا کنیزان آن حضرت خطائی را مرتکب می‌شدند آنان را تنبیه نمی‌کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلفات هر کس را با نام و موضوع مشخص می‌نمود. در آخر ماه همه غلامان و کنیزان را جمع کرده و در میان آنان می‌ایستاد. آنگاه از روی نوشته تمام کارهای خلاف آنان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند برایشان گوشزد می‌کرد و به تک‌تک آنان می‌فرمود: فلانی تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من ترا تنبیه نکردم! آیا به یاد می‌آوری؟ می‌گفت: بلی ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می‌کردند. آنگاه به

آنان می‌فرمود: «ارفعوا اصواتکم و قولوا یا علی بن الحسین! ان ربک قد احصى عليك کلما عملت کما احصیت علينا کلما قد عملنا و لدیه کتاب ینطق علیک بالحق لا یغادر صغیرة و لا کبیرة مما اتیت الا احصاها و تجد کلما عملت لدیه حاضرًا...» با صدای بلند بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنانکه تو اعمال ما را نوشته‌ای نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می‌گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فروگزاری نمی‌کند و هرچه انجام داده‌ای به حساب آورده و تمام آنچه را که انجام داده‌ای نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، چنانکه ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش همچنانکه دوست داری خدا تو را ببخشد.

ای علی بن الحسین! به یاد آر آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت. آن پروردگار عادل و حکیمی که ذرّه ای و کمتر از ذرّه ای به کسی ظلم و ستم روا نمی دارد و اعمال بندگان را همچنانکه انجام داده اند به آنان عرضه خواهد کرد و حساب و گواهی خدا کافی است...

ببخش و عفو کن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد چنانکه خودش در قرآن می فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ باید ببخشند و درگذرند. آیا دوست ندارید خداوند شما را ببامرزد؟ او خداوند آمرزنده و مهربان است.

امام سجاد(ع) این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین می کرد و آنان با هم تکرار می کردند و خود امام(ع) که در میان آنان ایستاده بود و می گریست و با لحنی ملتسمانه می گفت: «رَبِّ أَنْكَ امْرَأَتَا أَنْ نَعْفُوا عَنْ ظُلْمَانَا فَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَتَحْنِ قَدْ عَفَوْنَا عَنْ ظُلْمَانَا كَمَا امْرَأَتَا فَاغْفِرْ عَنَّا فَإِنَّكَ أُولَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَ مِنَ الْأُمُورِينَ...»؛ پروردگارا، تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم و ما براستی بر خود ستم کرده ایم. همان طور که فرمودی، ما از کسانی که ستم کرده اند درگذشتیم، تو هم از ما درگذر که تو در عفو کردن از ما و از مأموران برتری. تو به ما فرمودی سائلی را از درگاه خود محروم نکنیم و هم اکنون ما سائلان و گدایان در آستانه در خانه ات زانو زده و احسان و عطای تو را می طلبیم، بر ما مَنّت بگذار و محروممان نگردان، که تو در این کار شایسته تر از ما و از مأموران هستی. خدایا! من اکرام کردم تو هم به من اکرام کن و با اهل نعمت و مغفرت محشور نما ای صاحب احسان و کرامت.

پس از این برنامه عرفانی حضرت سجاد(ع) خطاب به غلامان و کنیزان خویش می فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاریهای مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بودم، بخشیدید؟! همگی یکصدا می گفتند: با اینکه ما از تو جز خوبی ندیده ایم ترا بخشیدیم. آنگاه به آنان می فرمود: بگوئید خداوند! از علی بن الحسین درگذر! همان طور که او از ما در گذشت، او را از آتش جهنم آزاد کن همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می کردند و امام سجاد(ع) هم آمین می گفت. و در پایان می فرمود: بروید، من از شما در گذشتم و آزادتان کردم به امید اینکه خدا نیز از من درگذرد و آزادم کند. در روز عید فطر چندان به آنها جایزه و هدایا می بخشید که از دیگران بی نیاز می شدند. هر سال در شب آخر ماه مبارک رمضان در هنگام افطار حدود بیست بنده آزاد می کرد و می گفت: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ كَأَنَّ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ؛ خداوند متعال در هر شب ماه مبارک رمضان هفتاد هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند که همگی مستحق عذاب بوده اند آن حضرت هیچ بنده ای را بیش از یک سال به بندگی نمی گرفت. هرگاه کسی را در اول سال و یا در وسط آن مالک می شد در شب عید فطر آزاد می کرد. این عمل روش هر ساله او بود. بندگان سیاه را که هیچگونه نیازی به آنان نداشت می خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همه را آزاد ساخته و هدایای قابل توجهی را به آنان عطاء می کرد.

عید شرافت امت اسلام

هر ساله بعد از ماه مهمانی پروردگار، امت محمدی(ص) چشم انتظار نتیجه و جایزه این عبودیت یک ماهه خویش در روز اول شوال است و این حسن ختام با عمل مستحبی نماز عید فطر به اتمام ثواب الهی نزدیک تر می شود. حضرت آیت الله خامنه ای هر سال پس از اقامه نماز عید فطر در خطبه های این نماز به بخش هایی از دعای نماز عید فطر اشاره داشته و درس ها و نکاتی از این دعای شریف بیان می کنند. در ادامه به مرور بیانات امام خامنه ای پیرامون دعای نماز عید فطر می پردازد.

عید امت واحد

«خدای متعال، مراسم با عظمت این ماه [رمضان] را این گونه مقرر فرموده است که به آسانی و سادگی پایان نپذیرد. در پایان این ماه - که ماه عبادت است - روزی را قرار داده است که روز عید باشد، روز اجتماع باشد، روز بزرگی باشد؛ برادران مسلمان به هم تهنیت بگویند؛ موفقیت های ماه رمضان را قدر بدانند؛ میان خود و خدا محاسبه کنند؛ آنچه را که در این ماه شریف ذخیره آن ها شده است، برای خودشان حفظ کنند. آن روز، روز عید فطر است.»

«عید فطر، یکی از عظیم ترین مناسبت های اسلامی است. دنیای اسلام، روز عید فطر را به معنای حقیقی عید می داند و عید می گیرد؛ و این چیزی است که اسلام برای امت اسلامی خواسته است: «جعله الله لکم عیداً و جعلکم له اهلاً»؛ خدای متعال امروز را برای امت اسلامی عید قرار داد و آن ها را شایسته ای این عید دانست. »

عظمت روز عید فطر

«در عظمت این روز همین بس که شما در قنوت های نه گانه ای این نماز پربرکت، خدا را قسم می دهید به این روز - «اسئلك بحق هذا اليوم» - این نشان دهنده ی رتبه ی بالای این روز است. «این، عظمت این روز را به ما یادآوری می کند. » «عید فطر همان طوری که در دعای قنوت نماز آن وارد شده است و می خوانیم «وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيدًا» مایه ی شرافت است، مایه ی کرامت است، ذخیره است برای وجود مقدس نبی مکرم، یعنی برای اسلام و جامعه ی اسلامی. » «مهم این است که قدر این موقعیت ها را بدانیم. »



دلنوشته

آسمان‌نبرد...

می‌دهد و بوی دلتنگی و غربت. دو شب هست که نخلستان های کوفه، دلتنگی هایشان را بغض کرده اند تا شاید دوباره عطش ناگفته هایشان را در تشنگی چاه فریاد کنند؛ چاهی که هر شب، مظلومیت مردی خداگونه را با پرنده هایی که بر دهانه اش حلقه می زدند، گریه می کرد؛ بزرگ مردی که نفس هایش بوی خدا می داد.

همه ی وقت تنهایی که پیراهن تنگ غربتش در دنیایی که وسعت بودنش را تحمل نمی کرد، می آزدش. مهربانی که هوای دورنگی و شرحی شهر، گلوگیر می شدش. آفتابی بود از جنس دریاها.

دلتنگی هایش بوی اشک های خدا را می داد و بغض هایش بوی رفتن. عدالتی که بر شانه های پیامبر صلی الله علیه و آله به عمر چند هزار ساله خدایان سنگی پایان داد. مسیحادمی که آسمان، آرزوی قدم هایش را داشت. بغض تلنباری که شانه هیچ دیواری تحمل گریه هایش را نداشت.

فرو نریزد. بغض، راه بر گریه شان بسته بود و سکوت شان بلندترین فریاد شده بود و بیم آن می رفت که نعره همه ی آزاد شود و زمین و زمان را به هم بدوزد. همگی آرزوی نیستی داشتند تا آن لحظه را شاهد نباشند و فقط خدا بود که می دید و مرد، که هیچ نمی گفت.

مسیر مسجد به انتها رسید و جمله ای همه بغضها را ترکاند؛ بغض گلوهای راکه هرگز با گریه آشنا نبود: «فرت و رب الکعبه» ترس وجود یتیمان شهر را فرا گرفت؛ چروک صورت مادران آنان اکثر نمایان شد و گیسوانشان سپیدتر و سپیدتر و سپیدتر...

دو شب هست که ماه، بغض هایش را فرو میخورد. سنگ فرش های کوچه های تنگ کوفه، احساس نفس تنگی می کنند.

شب از ستاره های دردناکش آویزان هست، بوی خون، کوفه را دچار خفقان کرده، فریاد سکوت، خواب را بر شهر حرام کرده هست؛ شهری که سال هاست به بوی غربت دچار هست، شهر نفرین شده ای که سال هاست دلتنگی هایش را گریه نکرده، شهری که آرزوهایش بوی نفرین می‌دهد؛ بوی خون

مرغان به سویش دویدند و پایین ترین گوشه لباسهایش را به منقار خود گرفتند. لابه ها و التماسها، همه‌ها و زمزمه های مرد در هم تنیده شد و آوایی جان فرسا را نواخت که دل صبورترین سنگهای هستی را لرزاند. آوایی که هنوز به گوش تاریخ نرسیده بود... و این‌ها همه موسیقی سوگی بود که پیش از واقعه نواخته می شد. مرد از منزل بیرون شده و با گامهایی استوار به سوی مسجد به راه افتاد. طنین گامهای مطمئن اش همه نفسها را در سینه حبس کرد. اول از همه ی نفس دورترین ستاره ها راکه از شب او و بیداریهایش خاطره داشتند.

موسیقی سوگ زیر ضرباهنگ گام هایش حماسی تر شد و قلب تاریخ را اکثر به تپش انداخت. سینه فراخ زمین جمع شده بود و دوشیزه شیون ناله های خود را با موسیقی سوگ و ضرباهنگ محکم آن هماهنگ تر کرد.

ناله هایش سوزناک تر شد. فرشتگان با دست، دهان خود را می فشردند تا صدای شیون شان ارکان عرش را لرزاند و پایه های آن را



تنها انقلاب دموکراتیک جهان

من را که آن‌جا سابقه داشتم آشنائی نسبتاً زیادی داشتم فرستادند آن‌جا برای این کار. کرمان رسیده‌بودم من در راه بلوچستان که روز رأی‌گیری بود، در فرودگاه بچه‌های حزب‌اللهی و داغ کرمان آمدند، صندوق را آوردند چند تا صندوق بود، هر کدام می‌خواستند که بیآورند من تویش رأی بیاندازم. آنها هم من را می‌شناختند. یعنی سابق که کرمان رفته بودم و مردم کرمان با من آشنا بودند. من هم خیلی به مردم کرمان از قدیم علاقه داشتم مردم خیلی بامحبت و جالب بودند همیشه در چشم من. خیلی لحظه‌ی شیرینی بود برای من، آن لحظه‌ای که این رأی را من می‌انداختم توی صندوق و می‌دیدم آن شور و هیجانی را که مردم کرمان از خودشان نشان می‌دادند در رأی دادن. بعد هم نشان داده شد که خب نودونه درصد آراء به جمهوری اسلامی آری بود.

خاطره‌ای که فقط اشاره می‌کنم مخالفت‌هایی است که با رأی‌گیری به این شکل وجود داشت که از طرف جناح‌های مختلف این مخالفت‌ها بود همه هم خودشان را بعدها نشان دادند. هم آن جناح‌هایی که بر مطبوعات کشور مسلط بودند، روشنفکرهای چپ و نیمه چپ و لیبرال و التقاطی، اینها که مطبوعات آن روز را اطلاعات، کیهان آن روز را توی مشت داشتند که خب بحمدالله بعد همه ازاله شدند و روزنامه‌ی حسابی دیگری هم نبود یعنی همین روزنامه‌ی جمهوری اسلامی که نبود روزنامه‌ی دیگری هم که بشود مورد اتفاق باشد همین‌طور. هرچه دلشان می‌خواست می‌نوشتند. رفته بودند این‌جا و آن‌جا این روشنفکرهای گروهکی سیاسی ملحد و نیمه‌ملحد از شخصیت‌های گوناگون نظر خواسته بودند که به نظر شما آری یا نه درست است؟ یا بیائید چندجور حکومت را مطرح کنیم و رأی بگیریم. مقصودشان هم این بود که مردم را از آن یکپارچگی خارج کنند، اگرچه فرقی هم نمی‌کرد یعنی تأثیری هم نداشت. مردم خب طبیعی بود که به آن شیوه‌های دیگر رأی نمی‌دادند و به خصوص بعد از آنی که امام آنجور صریح فرمودند جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم، نه یک زیاد، لکن آنها کار خودشان را می‌کردند به امید این که شاید بتوانند شکاف بیندازند این رأی زیاد مردم را کم کنند، رأی را تقسیم کنند از این کارها می‌کردند و اوضاعی داشتیم ما در شورای انقلاب با آن جناح لیبرال و به اصطلاح ملی‌گرا که بیشترین خصوصیتشان مخالفت با خط اصیل انقلاب بود که این شیوه‌ای را که بعد هم انجام گرفت این شیوه را اثبات کنیم که این شیوه‌ی درستی است.

انقلاب اسلامی ایران را بی‌تردید باید یک انقلاب منحصر به فرد در جهان دانست! و آن چیزی که باعث تفاوت انقلاب ما با دیگر انقلاب‌های جهان هست، ۱۲ فروردین و برگزاری رفراندوم برای انتخاب نوع حکومت است! روایت‌های زیادی درباره این روز وجود دارد ولی شاید خواندن خاطرات رهبر معظم انقلاب از این روز اهمیت و لطفی متفاوتی دارد؛ در ادامه بخشی از مصاحبه امام خامنه‌ای درباره این روز در سال ۱۳۶۴ را می‌خوانید:

اصلاً خاطره روز جمهوری اسلامی را با هیچ خاطره‌ای در تاریخ کشورمان نمی‌شود مقایسه کرد. نقطه‌ی مکمل و متمم انقلاب بیست‌ودو بهمن بود یعنی خلاصه محصول بیست‌ودو بهمن روز جمهوری اسلامی روز دوازدهم فروردین بود. از یک نظر دیگر هم روز جمهوری اسلامی بسیار مهم است و آن این که این اولین نمونه در دنیای امروز هست که با مکتبها، نظامها، سیاستها، دیدگاههای مختلف، شیوه‌های گوناگون حکومت را به مردم دنیا عرضه می‌کند، دارد عرضه می‌شود؛ این اولین نمونه‌ای است که مردم دنیا دارند می‌بینند جمهوریهای دیگری که اعلان می‌شود جمهوریهای سوسیالیستی، جمهوریهای به سبک دموکراسی غربی به انواع واقسامش هیچ کدام چیز جدیدی نیست اصل جمهوری هم چیز جدیدی نبود اما آن جمهوری‌ای که مبانی و ارزشهای اساسی‌اش و قواعد اصلیش از اسلام گرفته شده این یک چیز بی‌نظیری است. یک خصوصیت دیگر هم در روز جمهوری اسلامی ما هست و آن این که آن روز عید فقط ما مردم ایران نیست، بلکه عید همه‌کسانی می‌تواند باشد که مسلمانند، یعنی نزدیک به یک میلیارد جمعیت. آنها هم، یعنی ملت‌های مسلمان عادت کردند که اسلام را در حال دفاع در موضع انفعال، در حال انزوا ببینند. آن وقتی که یک ملتی در موضع تهاجم به قدرتهای سلطه‌گر و تهاجم به نظامهای بشری ناقص قرار می‌گیرد و اعلان یک جمهوری براساس اسلام می‌کند این برای همه‌ی ملت‌های مسلمان مایه مباهات و سربلندی است خلاصه خصوصیات گوناگونی در روز جمهوری اسلامی هست. خاطره، من البته در آن روز، روز رأی‌گیری کرمان بودم از طرف امام یک مأموریتی به من محول شده بود که بروم بلوچستان و سر بزنم به شهرهای بلوچستان و مردم آن‌جا را از نزدیک دیدار بکنم و پیام امام را برای آن مردم ببرم. پیام محبت و دلسوزی را که ملاحظه می‌کنید از همان روزهای اول امام به فکر افتادند که با این مستضعفین دورافتاده‌ای که به کلی فراموش شده بودند، حتی در نظام گذشته ملاطفت و محبت کنند و

ماراتن فریب مخاطب

دنبال کردن سلبریتی‌های اینستاگرامی چگونه ما را از زندگی ناامید می‌سازد؟

صابر اکبری خضری

با یک نگاه دقیق به شبکه‌های اجتماعی در می‌یابیم که هر پست یا استوری ما در اینستاگرام حکم یک خاطره‌گویی را دارد و از این رهیافت به پژوهش‌های زیادی می‌توان پرداخت. صفحه ما وظیفه حفظ آبرو و سرمایه اجتماعی ما را دارد، درست مثل سخنان‌مان و ما معمولاً موفقیت‌مان را از طریق بازخورد بقیه افراد می‌سنجیم. این بازخورد در اینستاگرام معمولاً از طریق لایک و نظر گذاشتن (کامنت) معلوم می‌شود.

چیزهای همیشگی، همیشه در دسترس و پیش روی ما هستند و برای دیدنشان نیازی به این فضای جدید نبود، بنابراین انتظار داریم که در اینستاگرام چیزی علاوه بر عبور و مرور عادی عابران پیاده یا دکور تکراری و بی‌ریخت سوپرمارکت محل بینیم. البته شاید نوع نگاه ما با دیگران متفاوت باشد و چیزهایی را شایسته اظهار بدانیم که دیگران نمی‌دانند یا بالعکس، اما در هر صورت یک نقطه اشتراک وجود دارد؛ اینکه برخی چیزها را بیان می‌کنیم و مقدار بسیار بیشتری را نه. مشکلی که می‌خواهم به آن اشاره کنم از اینجا شروع می‌شود؛ کم کم فراموش می‌کنیم صفحه اینستاگرام افراد و عکس‌هایی که از خود یا پیرامونشان بارگذاری می‌کنند از چند فیلتر مهم عبور کرده. بنابراین ممکن است صفحه هر فرد را در یک مغالطه به عنوان کل زندگی او فرض کنیم و با مقایسه کل زندگی او با زندگی خودمان دچار ملال شویم.

ما اکثراً فریب اینستاگرام را می‌خوریم، چون صفحه افراد در اینستاگرام پر از حذفیات است. مثلاً در بسیاری از این صفحه‌ها از حوصله سر رفتن خبری نیست، از دو ساعت در اداره آلف شدن خبری نیست، انگار هیچ

کس مجبور نیست ساعت‌ها برای امتحان پایان ترم واحدی که اصلاً به آن علاقه دارد درس بخواند و ممکن است در نهایت نمره ۱۱ بگیرد، به ندرت پیش می‌آید کارگر یک نانوايي راجع به چند ساعت کارش در هوای گرم که هیچ اتفاق عجیبی در آن رخ نداده صحبت کند. در واقع اکثر اوقات شبانه روز ما با همین امور پر شده است. این کارها به هیچ‌وجه پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش نیستند، در آن‌ها هم موقعیت‌های نابی برای قهرمان پروری وجود دارد، اما در اینستاگرام به ندرت درباره چنین چیزهایی می‌بینیم.

دنای مدرن مداوماً به ما القا می‌کند که بقیه دارند خوش می‌گذرانند ولی سهم ما کسالت و ناکامی است. اکثر ما می‌دانیم زندگی آدم‌ها به شادی و طراوت صفحه‌های اینستاگرامشان نیست. با این حال، مگر می‌شود جلوی آرزوها را گرفت؟ مگر بهتر نیست که به جای صبح تا شب کار کردن، دور دنیا سفر کنیم و خوش بگذاریم؟ ما در معرض بمباران مداوم پیشنهادهایی هستیم درباره کارهایی که خوب است انجام دهیم (برویم جت‌اسکی، در تورنتو تحصیل کنیم، سفر کنیم به بارسلونا، یا به تماشای اهرام ثلاثه برویم). دائماً خبر کارهای جذابی که دوستانمان انجام داده‌اند یا قرار است انجام دهند به گوشمان می‌رسد: «کافه خیلی خوبی بود که دست‌جمعی رفتیم»، «با فلانی نامزد کردم و اکنون در ماه سفریم...»، «خورشید داشت بر فراز بندر سیدنی می‌درخشید...» بی‌نهایت چیز در کارند تا وسوسه شویم جای دیگری زندگی کنیم: رفتن به رستوران باصفایی در بروکلین؛ خواندن رمانی جنایی که ماجرایش در کلبه‌ای در دل کوهستانی بکر اتفاق می‌افتد؛ ایستادن در برابر تابلوی خروج فرودگاه، با فهرستی در دست که تا مسکو، بانکوک یا آدیس‌آبابا فقط به اندازه یک نشست و برخاست هواپیما فاصله وجود دارد.

سخن اینکه اینستاگرام و نحوه تعامل ما با مسأله «بیان کردن» در اقتضائات اینستاگرامی، باعث می‌شود همیشه چیزهای دور را جذاب‌تر و خوب‌تر ببینیم و چیزهای نزدیک و به اصطلاح دم دست را به درد نخور! افرادی که بار اول می‌بینیم و آشنایی کمی با آن‌ها داریم، جذاب‌تر و بهتر از دوستان موجودمان به نظر برسند، خانواده‌مان، شغل‌مان، شهرمان، صورتمان، رشته‌مان، تفریح‌مان و... تبدیل به چیزهایی خواهند شد به شدت عادی، خز! و غیرخاص و معمولی در برابر دنیای مجذوب‌کننده نداشته‌ها و رویاهایی که دانه‌شان را کاشتیم و حالا خوشه‌های انبوه حسرت به بار آورده‌اند، همه این خوشه‌های حسرت را آسیاب می‌کنیم و گندم خالص ملال را به خرمن عمر می‌بریم، خرمن نکاشته‌ها مان بسیار مملو است، تو گویی هفتاد سال فراوانی بوده است.



کلید امنیت

چرا حفظ حریم خصوصی در اینترنت اهمیت دارد؟



مهسا زحمتکش

از آنجایی که مردم از طریق وبسایت‌های مخرب که در تجارت داده‌ها شرکت می‌کنند و همچنین کسانی که عمداً اطلاعات را سرقت می‌کنند، بسیار در معرض خطر هستند، مهم است که مردم از راه‌هایی که برای محافظت از خود با نرم‌افزار و همچنین اقدامات خوب نیاز دارند آگاه باشند. داده‌های شخصی ما از طریق رسانه‌های مختلف و به دلایل متعدد جمع‌آوری و استفاده می‌شود. بخشی از مشکل بیشتر اوقات این است که افرادی که به داده‌های ما دسترسی دارند، به آن نیاز ندارند و علاوه بر این، به صورت قانونی و غیرقانونی مجدداً توزیع می‌شود و به لطف اینترنت، حجم عظیمی از داده‌های شخصی را می‌توان به راحتی توزیع کرد. اما در برخی موارد ممکن است این اطلاعات به دلیل بی‌احتیاطی یا نقض حریم خصوصی ما در دسترس باشد که در این زمینه اقداماتی وجود دارد که می‌توانید برای محافظت از خود انجام دهید.

این توصیه‌ها را جدی بگیرید

در هر دستگاه جدیدی، تنظیمات حریم خصوصی خود را بلافاصله تنظیم کنید. این شامل برنامه‌های کاربردی جدید، رسانه‌های اجتماعی و برنامه‌های بانکی می‌شود. هرگز از وای‌فای ناامن و عمومی، مثل وای‌فای‌های رایگان در فرودگاه، کافه‌ها و رستوران‌ها به‌خصوص برای امور بانکی یا خرید استفاده نکنید. صورت‌حساب‌های بانکی و کارت اعتباری خود را به طور منظم بررسی کنید. هنگامی که مورد مشکوکی را مشاهده کردید، با سازمان مربوطه تماس بگیرید تا پرداخت را

از آنتی‌ویروس و فایروال استفاده کنید. با نصب و استفاده از یک نرم‌افزار فایروال باکیفیت بالا و محافظت از آنتی‌ویروس، مطمئن شوید که رایانه‌ها در برابر بدافزار محافظت می‌شوند. توجه کنید که برخی از گزینه‌های رایگان را می‌توان به صورت آنلاین پیدا کرد که خوب هم هستند، با این حال اشتراک پولی اغلب قابل اعتمادتر است و به‌روز نگه داشته می‌شود.

کوکی‌ها را جدی بگیرید؛ به راحتی می‌توان در مورد پذیرش کوکی‌های داده تبیل شد و بدون اینکه واقعاً به معنای آن فکر کرد، به سرعت گزینه قبول کردن همه کوکی‌ها را زد، اما یک راه ساده و آسان برای نكوداشت روز ملی حفظ حریم خصوصی داده‌ها، انجام یک تمرین منظم برای پاک کردن این کوکی‌ها باشد. این گزینه نه تنها تبلیغات ناخواسته را از دستگاه‌ها و رایانه‌ها حذف می‌کند، بلکه از نفوذ هکرها نیز محافظت می‌کند. همچنین یادتان باشد رمزهای عبور خود را در دستگاه ذخیره نکنید.

در خرید متوقف و کارت خود را مسدود کنید. در همین راستا، گزارش‌ها و تراکنش‌های اعتباری خود را حداقل سالیانه بررسی کنید. نرم‌افزار و سیستم خود را به‌روز نگه دارید، چرا که نرم‌افزارهای قدیمی در برابر هکرها آسیب‌پذیر هستند.

مطمئن شوید که دانش و اطلاعاتتان در مورد حفاظت به‌روز است، زیرا همه چیز در دنیای آنلاین به سرعت تغییر می‌کند! برخی از وبلاگ‌ها را بررسی کنید یا به پادکست‌هایی گوش دهید که توصیه‌های درستی را برای کسانی که می‌خواهند در مورد حریم خصوصی داده‌ها آگاه باشند، ارائه می‌دهند. هرگز اطلاعات شخصی خود را از طریق تلفن، ایمیل یا پیامک برای کسی نفرستید. از شرکت در آزمون‌های آنلاین که سؤالات تصادفی در مورد دوران کودکی، کودکان، ازدواج و غذاهای موردعلاقه شما می‌پرسند، خودداری کنید. هر بار که یکی از این موارد را انتخاب می‌کنید، افرادی که سعی می‌کنند به داده‌های شما دسترسی پیدا کنند، اطلاعات کمی درباره شما جمع‌آوری می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد داده‌ها یا هویت شما را بدزدند.



نمایش خانگی از تابوشکنی تا اشرافی‌گری

محتوای سانسور نشده و تناسب نداشتن آن با فرهنگ اسلامی مردمان این سرزمین و مهم‌تر از همه، پخش بدون مجوز آن در برنامه‌هایی که مدعی حرکت در مسیر قانونی هستند، خبر از تابوشکنی و ناهنجاری‌هایی در بدنه رسانه‌های دیداری این سرزمین می‌دهد. به تحلیل برخی کارشناسان، این نوع تولید محتوا تنها به بهانه پول‌سازی و کسب ثروت دست تمام ابزارهای رسانه‌ای دشمن را در جنگ شناختی از پشت بسته است و خیلی قوی‌تر از آن‌ها در کارزار مبارزه علیه دین حرکت می‌کنند. باید گفت، از این دست آثار در شبکه نمایش خانگی کم نیستند؛ آثاری که به‌ویژه در دوران شیوع کرونا و رکود سینما تولید شد تا جای سینما را میان جامعه پر و مخاطبان خاص خود را مهیای ادامه مسیر و بازار پرسودی نصیب تولیدکنندگان کند.

اما این سریال‌ها از دراکولا و قورباغه گرفته تا ملکه گدایان، گیسو و ... و همچنین «رهایم کن» خود درگیر قصه‌های عجیب و داستان‌های غریبی در ترویج رفتارها و ناهنجاری‌هایی از بی‌حجابی و بی‌عفتی و روابط خارج از عرف و خانمان برانداز تا تجمل و مذمت ساده‌زیستی و مصرف‌گرایی است.

همان چیزی که دشمن تلاش بسیاری برای ترویجش کرد و با جنگ نرم و پس از آن جنگ ادراکی، شناختی و ترکیبی به دنبال جایگزین

کردن‌شان با اخلاق اسلامی، حجب و حیا و عفت و پاکدامنی، یعنی همه موارد مورد نیاز تحکیم خانواده و جامعه است.

فاصله زیاد زندگی واقعی تا فضای سریالی اگر بخواهیم وجوه اشتراک این سریال‌ها را که خیلی چراغ خاموش و در نبود سواد رسانه‌ای قابل قبول جامعه به سربازان جنگ شناختی و ادراکی دشمن تبدیل شده‌اند تا آنچه دشمن با صرف هزینه به دنبالش بود، خیلی راحت‌تر و بی‌هزینه‌تر میسر کنند نام ببریم، نخست باید تفاوت فاحش نوع پوشش میان این سریال‌ها را با جامعه واقعی بیان کرد. پوشش ناهنجار، آرایش غلیظ و رفتارهای خارج از عرف و جذابیت‌های بصری با استفاده ابزاری از زنان، از فاکتورهای استفاده شده در این مجموعه سریال‌هاست تا بتوانند با نمایش آنچه فضای تلویزیونی و رسانه ملی آن را نشان نمی‌دهد، برگ برنده‌ای برای ثروت زایی بیشتر و شاید هم ترویج فساد و بی‌بندوباری در جامعه در دست داشته باشند. فرهنگ غربی یا همان فرهنگ برهنگی، زن را به کالای تبلیغاتی مبدل کرده است؛ فرهنگی که مدلینگ و فشن را در راستای همین نگرش به وجود آورد و حال در سریال‌های شبکه نمایش خانگی از زنان دقیقاً در همین راستا بهره‌برداری می‌کند.

این بهره‌برداری در سریال «رهایم کن» حد را گذشته و خیلی صریح همانند سریال‌های

پنجره

مبتذل ترکیه‌ای به روابط آزاد و خارج از عرف زن و مرد می‌پردازد و به دنبال عادی‌انگاری بی‌عفتی در فضای جامعه است تا با قبح شکنی رفتارهای ساختارشکن به خیال خود به آزادی برسد؛ آزادی‌ای که مدعیان زن، زندگی، آزادی به دنبالش هستند، اما زن غربی از آن گریزان و مستأصل است.

لاکچری‌گرایی و دعوت به تجمل، ترویج روابط آزاد و خارج از ازدواج، شکستن چارچوب خانواده، خیانت، جای خالی دین و افراد متدین آن هم در جامعه دینی، سیاه‌نمایی، تحقیر و تضعیف جامعه، خشونت و افراطی‌گری، کاربرد کلمات مذموم و نمایشی از مشکلات ازدواج و فرزندآوری، استفاده بی‌محابا از مواد مخدر و عادی‌انگاری سیگار کشیدن بانوان، موسیقی و رقص از دیگر ویژگی‌های سریال‌های نمایش خانگی در تقابل با فرهنگ اصیل دینی و ملی است. سریال‌هایی که بی‌شک تبعات فرهنگی و اجتماعی بسیاری برای جامعه به دنبال خواهد داشت، زیرا ابزار رسانه‌ای قوی برای عادی‌سازی ناهنجاری‌ها، هنجارشکنی، تساهل‌گرایی فرهنگی و اجتماعی، ترویج بی‌اعتمادی و بی‌اعتقادی به اصول و ارزش‌ها و باورهای ملی و ترویج پنهان غیراخلاقی خارج از ضابطه و سبک زندگی غربی و سرخوردگی خواهد بود. همه آنچه عنوان شد به صراحت بیان می‌کند، رسانه‌های دیداری مانند جذابیت‌های سریال‌های نمایش خانگی به سهولت می‌توانند ابزار جنگ نرم دشمن یا بهتر بگوییم پیاده نظام دشمن در خانه باشند، پس لازم است نظارت‌های جدی‌تر و دقیق‌تری نسبت به محتوای ارائه شده به وسیله آنها انجام شود.

حالا نوبت به مسئولان و دست‌اندرکاران فرهنگی رسیده است تا علاوه بر جلوگیری از انتشار چنین محتواهای، رسانه‌های تأثیرگذار دیداری را با هدف آنچه در آرمان‌های نظام مقدس است و برای جهاد تبیین بسیج کنند تا محتوای متناسب با اعتقادات فرهنگی و مذهبی جامعه ترویج و از دست‌آویز شدن آن برای ترویج اهداف دشمن جلوگیری شود.

شماره ۱۰

فرار بزرگ از دست کلیشه‌های رایج سینما

مصطفی محمودی

استوار اکبری در سال پایانی جنگ به اسارت نیروهای عراقی درآمده و در جریان انتقال به خاک عراق چندین فرار ناموفق را تجربه کرده است. انتقال او به زندانی با نام قفس امن و آشنایی اش با احمد و محمود رادیو سبب می‌شود تا نقشه جدیدی برای فرار از زندان باهدف اعلام نام ۴۲ اسیر ایرانی که رژیم بعث آنها را مخفی و از اعلام نامشان به صلیب سرخ خودداری کرده طراحی شود. استوار اکبری در این مسیر حوادث زیادی را پشت سر می‌گذارد.

فیلم‌های فرار از زندان طرفداران پروپاقرصی دارند. علاقه به این دست از آثار آن قدر زیاد است که گاهی اوقات حتی با وجود بعضی ضعف‌های فنی صرفاً به دلیل مضمون، آن‌ها را تماشا می‌کنیم.

عموماً در فیلم‌های فرار از زندان باشخصیت یا شخصیت‌هایی طرفیم که بر اساس یک نقشه قصد فرار دارند؛ اما در برابرشان دیوارهایی نفوذناپذیر یا زندانبان‌هایی بی‌رحم قرار گرفته‌اند. این دست آثار مخاطبان خود را بسیار هیجان‌زده می‌کنند؛ هیجان اینکه زندانی یا زندانی‌ها کی و با چه نقشه‌ای می‌گریزند؛ چطور نقشه را مخفی نگه می‌دارند و دست آخر با چه شیوه‌ای زندانبان‌های خشن را پشت سر می‌گذارند. اما گاهی اوقات فیلم‌ها درونی‌تر می‌شوند و بر ذهنیات زندانی و درک و دریافت او از موقعیت تمرکز می‌کنند.

فیلم‌های فرار از زندان طی دهه‌های گذشته محبوبیتشان را حفظ کرده‌اند؛ فهرست بهترین فیلم‌های فرار از زندان گستره وسیعی را در برمی‌گیرد؛ از فیلمی مانند «توهم بزرگ» ساخته ژان رنوار که در اواخر دهه ۱۹۳۰ ساخته شده تا فیلم زیبایی «رستگاری در شاوشنک» که محصول اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی است یا فرار بزرگ جان استورجس و سریال فرار از زندان پل شیورینگ همه‌وهمه فیلم‌هایی هستند که در این حوزه ساخته شده‌اند. سینمای ایران نیز گاه‌وبیگاه به سراغ این موضوع رفته است؛ اما ویژگی‌ای که شماره ۱۰ را از سایر فیلم‌های این‌گونه در سینمای کشورمان متمایز می‌سازد اولاً پرداختن موضوع در قالب سال‌های دفاع مقدس و دوم این که برداشت آن از ماجرای واقعی است که در جریان جنگ هشت‌ساله اتفاق داده و دست‌مایه جدیدترین ساخته حمید زرگر نژاد قرار گرفته که پیش‌تر از او در جشنواره فیلم فجر فیلم زیبای ماهورا را به تماشا نشستیم بودیم (که متأسفانه در اکران عمومی مورد بی‌مهری‌های زیادی قرار گرفت). همین‌جا باید اشاره کنم دوران هشت سال دفاع مقدس دارای ویژگی‌ها و مضامین زیادی است که می‌تواند به لحاظ دراماتیک دست‌مایه ساخت آثار جذاب زیادی در حوزه سینما و تئاتر شود. مضامینی

که همچنان در سینما و تئاتر مغفول واقع شده و شاید توجه به فیلم شماره ۱۰ به‌ویژه در زمان اکران عمومی بتواند راهی را برای رویکرد گسترده‌تر فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان در این حوزه هموار سازد. «شماره ۱۰» که پیش‌تر از این در خبرها با نام «شماره ۱۰ گریخت» معرفی شده بود دارای مؤلفه‌هایی است که هم تماشاگرپسند است و هم کلیشه‌ای نیست. متأسفانه موضوعی که سال‌هاست در گونه سینمای دفاع مقدس با آن مواجهیم اسیر شدن فیلمسازان در دام کلیشه‌هایی است که سبب شده تا این‌گونه سینمایی نتواند به جایگاه واقعی خود در سینمای کشور دست یابد. نکته مهمی که زرگر نژاد با هوشمندی از آن گریخته و داستانی جذاب را صرفاً با موضوع انجام یک مأموریت بزرگ در قالب فرار از زندان قفس امن و رساندن اسامی ۴۲ تن از اسرای امنیتی به دست صلیب سرخ درهم‌آمیخته است و در این راستا تعلیق و گره دراماتیک دو عنصر مهمی بوده‌اند که یاری‌رسان او شده‌اند و زرگر نژاد نیز حداکثر استفاده را از این دو عنصر چه در فیلمنامه و چه در ساختار خود به عمل آورده تا جایی که تا جایی که مخاطب در بسیاری از لحظات با شخصیت‌ها همذات‌پنداری می‌کند و حتی در برخی صحنه‌ها به‌صورت ناخودآگاه برای قهرمان داستان کف و سوت می‌زند و دقیقاً همین واکنش یعنی اثربخش بودن درام و ساختار صحیح. فیلمنامه اگرچه در بخش‌هایی دچار کاستی است و برخی داستانک‌ها نمی‌توانند به درستی در مسیر داستان اصلی قرار گیرند و چرایی برخی کنش‌ها و واکنش‌ها برای مخاطب معلوم نمی‌شود؛ اما در کلیت، با فیلمنامه‌ای مناسب مواجهیم که تا حد زیادی میتوان از ضعف‌های آن چشم‌پوشی کرد. ساختار نیز متأثر از فیلمنامه ساختار قابل احترامی است. بازی متفاوت مجید صالحی که در سال‌های اخیر در مدیوم سینما تلاش قابل توجهی برای شکستن قالب طنانانه بازیگری خود به خرج داده، لوکیشن بدیع و جذاب و فیلمبرداری‌ای که عمدتاً در مکان‌های بسته با نورپردازی و طراحی صحنه چشم‌نواز درهم آمیخته شده بخش‌هایی از ساختار مثبت شماره ۱۰ هستند که در کنار ریتم مناسب فیلم، اثر را به فیلمی دیدنی مبدل ساخته‌اند.

خدا غزل می ریخت

ویژه ولادت امام حسن مجتبی (ع)

از هر آن کوچه ای که رد می شد
حسن یوسف در آن محل می ریخت
تیغ خشمش ولی زمان نبرد
رنگ از چهره اجل می ریخت
شتر سرخ را به خون غلتاند
لرزه بر لشکر جمل می ریخت
آن امام که روز عاشورا
از لب قاسمش عسل می ریخت

حمیدرضا برقی

زیر پایش خدا غزل می ریخت
غزلی را که از ازل می ریخت
آن امامی که تا سحر دیشب
روی لب های من غزل می ریخت
آن که در جیب کودکان یتیم
قمر و زهره و زحل می ریخت
آن کریمی که در پیاله دست
هر چه می ریخت لم یزل می ریخت

شکوه کوه الوند

چهل سال است می گریم، چهل سال است می خندم
کتاب خاطرات تلخ و شیرین پر از پندم
من از آغاز دل بستم، به استقلال و آزادی
ز هرچه زرق و برق آورد شرق و غرب دل کندم
من آن باغم که دستانی خدایی کاشت بذرم را
سپس ساقه به ساقه زد به ساق عرش پیوندم
نهال کوچکی بودم که از طوفان گذر کردم
تعجب می کند عالم، اگر سروی تنومندم
مرا فکه، طلائی، شلمچه، فاو می فهمد
چنان که لحظه های داغ سرخاخن اروندم
در این عالم که دنیا از زر و سیم آبرومند است
من از خون جوانان برومند آبرومندم
کبوترهای خونین پر ز دوشم می پرند و من
به پای بال و پرهاشان هزاران بوسه می بندم
شعار «می روم تا انتقام سیلی زهرا،
بگیرم» را زدم با سربلندی روی سربندم
زمین مات ثباتم شد، زمان حیران جریانم
سرود رود کارونم، شکوه کوه الوند
درون پیکرم روح جوانی می دود امروز
که پر شور است چشمانم، که پر شوق است لبخندم
جهان زیباتر از این روزگاران می شود روزی
و من چشم انتظار وعده حق خداوندم
بهارا! بی تو فروردین فقط تکرار تقویم است
از این تکرار می سوزد همیشه جان اسفندم

فرهنگیار شاعر هادی قاسمی

برگزیده دوازدهمین کنگره شعر فرهنگیان سپاه

سجده خونین شده

ویژه شهادت امام علی (ع)

شک ندارند که تو پاک و بهار آمیزی
مثل نور از دل هر روزنه، روح انگیزی
حرجی نیست به این مردم خواب آلوده
که ندارند به جز کینه و نفرت چیزی
دشنه ها تشنه بوسیدن ثارالله اند
خوب می دانی و از سجده نمی پرهیزی
شب معراج محمد شده؛ ماه رمضان
باید از سجده خونین شده ات برخیزی
از رخ پنجره ها رنگ پریده، برخیز!
اشک بر گونه آینه چکیده، برخیز!
وای از بغض زمین و شب و بی خوابی ها!
وای از گریه بی وقفه مرغابی ها!
بعد سی سال پر از درد، چه آمد به سرت؟
نفسی تازه کن ای مرد! چه آمد به سرت؟
پشت قرآن به تو گرم است؛ به عدل و داد
سوره فجر به فریاد لبالمرصاد
آسمان جا شده در دست پر از پینه تو
عرش، پنهان شده در سینه بی کینه تو
چاه ها! خاطره ها! فُزْتُ و رب الکعبه
آه ها! دلهره ها! فُزْتُ و رب الکعبه

حسنا محمدزاده

ای دریغا لاله گون شد مسجد از خون علی
ای دریغا دیده ها شد جمله گریان علی
ای دریغا بهر او آتش گرفته سینه ها
ای دریغا بهر او گریان شده این دیده ها

حشمت الله نگارنده

آمده بودی

برای حضرت زینب(س)

فرست نشد اصحاب کنار تو بجنگند
تو یک تنه آنقدر قدر آمده بودی
که حس من این است لبی نشنه نمی ماند
در کربلا هم تو اگر آمده بودی
من معتقدم کربلا جای تو خالی ست
جای حرم و گنبد زیبای تو خالی ست

صابر خراسانی

با تیغ نظر سینه سپر آمده بودی
دنبال سر چند نفر آمده بودی
روبند نینداخته لشکر سپر انداخت
تو در جمل انگار جگر آمده بودی
در جنگ، علی دست به شمشیر نمی برد
وقتی که تو همراه پدر آمده بودی

پرنیان هفت رنگ

به مناسبت عید نوروز

چون پرند نیگلون بر روی بندد مرغزار
پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار
خاک را چون ناف آهو مشک زاید بی قیاس
بید را چون پر طوطی برگ روید بی شمار
دوش وقت نیم شب بوی بهار آورد باد
حبذا باد شمال و خرما بوی بهار
بادگویی مشک سوده دارد اندر آستین
باغ گویی لعبتان جلوه دارد در کنار
ارغوان لعل بدخشی دارد اندر مرسله
نسترن لولوی لالا دارد اندر گوشوار
تا بر آمد جام های سرخ مل بر شاخ گل
پنجه های دست مردم سر برون کرد از جنار
راست پنداری که خلعت های رنگین یافتند
باغ های پر نگار از داغگاه شهریار

فرخی سیستانی

بگشا نقاب از رخ باد بهاران
شد طرف چمن بزمگه باده گساران
شد لاله ستان گرد گل از بس که نهاده
رو سوی تماشای چمن لاله عذارن
در موسم گل توبه ز می دیر نباید
گشتند در این باغ و گذشتند هزاران
بین غنچه نشکفته کهآورد به سویت
سربسته پیامی ز دل سینه فگارن

جامی

مادر زهرا

ویژه وفات حضرت خدیجه(س)

چشمم به غیر خون دلی مبتلا نداشت
این خانه بعد رفتن تو آشنا نداشت
زهرا یتیم شد غم بی مادری رسید
بی تو دل شکسته من هم نوا نداشت
خاک عزا به روی سرم ریختم ولی
خون گریه های دخترکت هم صدا نداشت
رفتی و در مزار تو دیدم که پیکرت
بر پای تا سرش کفنی جز عبا نداشت
بابا گرفته روضه و من گریه می کنم
در خانه ای که بعد نگاهت صفا نداشت
می گوید از من و تو و از پاره تم
از تشنه ای که روی لبش جز دعا نداشت
شد رسم بعد تو که عبا را کفن کنند
اما برای قامت او کربلا نداشت
از بس که تیغ و نیزه تنش را گشوده است
گودال قتلگاه به جز بوری نداشت

حسن لطفی

آن روز که افتاد خزان در چمن تو
پر زد به جان طوطی روح از بدن تو
تا بوی گل احمدی آید ز تن تو
شد جامه پیغمبر اکرم کفن تو
با مرگ تو آغاز شد ای عصمت سرمد
بی مادری فاطمه، تنهایی احمد
برخیز که بر ختم رسل فخر زمانه
خانه شده غمخانه، ای بانوی خانه

حاج غلامرضا سازگار

غیرت دینی یک سرباز

«غیرت» در اصل به معنی دفاع شدید از عرض، ناموس، مال، مملکت و آیین است. این واژه مخصوصاً در مورد اموری به کار می رود که حق اختصاصی شخص یا گروهی است و دیگران می خواهند حریم آن را بشکنند. غیرت در حد اعتدال، فضیلتی است که گاه انسان را وادار می کند تا سرحد جان در برابر متجاوز بایستد. متأسفانه در دنیای امروز، با کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی و گسترش انحرافات، این واژه کم رنگ شده و گاه ضد ارزش قلمداد می شود.

در مورد اهمیت غیرت، امیرمؤمنان امام علی(ع) به هنگام انتقاد از بعضی از یاران سست عنصر و سرکش، می فرماید: «گرفتار مردمی شده ام که اگر فرمان دهم، اطاعت نمی کنند و اگر دعویشان کنم، اجابت نمی کنند... آیا دین ندارید که شما را جمع کند؟ یا غیرتی که شما را به خشم آورد؟» (خطبه ۳۹ نهج البلاغه)

منظور از غیرت دینی این است که انسان در برابر تخلّقاتی که از مسیر حق و عدالت و احکام الهی می شود، خاموش ننشیند و بی تفاوت از کنار آنها نگذرد بلکه تخلّف هر چه شدیدتر باشد جوش و خروش او بیشتر گردد. کسانی که خونسرد و بی رمق از مقابل این امور می گذرند فاقد غیرت دینی هستند. غیرت دینی عامل بسیار مهمی برای دفاع از حریم قوانین اسلام و احیای معروف و از میان بردن منکر می باشد. «پیرزن خدمت کار راهنمایی ام کرد به داخل اتاقی. چند بار یاالله گفتم. صدای زن جوانی بلند شد. یاالله سرت را بخورد! بیا تو. قدمی جلو گذاشتم. تمام تنم غرق عرق شد. زن جوانی بی حجاب و با آرایش غلیظ نشسته بود و پاهایش را هم روی هم انداخته بود. از همانجا برگشتم و هر چه پیرزن خدمت کار اصرار کرد که برگرد. اگر بروی می کشت، توجه نکردم. از خانه بیرون آمدم و پسران پسران آدرس پادگان را پیدا کردم و برگشتم. هر چه اصرار و تهدید کردند نتوانستند خامم

کنند که برگردم و گماشته زن بی حجاب یک سرهنگ بی غیرت شوم. پادگان هجده سرویس بهداشتی داشت که در هر نوبت چهار نفر تمیزش می کردند. چند روزی یک نفره شدم مسئول نظافت سرویس ها. روز هشتم سرگرد آمد سر وقتم. فکر می کرد تنبیه ها نظرم را عوض کرده. گفت: «حالا آدم شدی و سر عقل آمدی؟» گفتم: «جناب سرگرد! اگر بگویی تا آخر سربازی همه نجاست های این سرویس ها را با سطل خالی کنم توی بشکه و ببرم توی بیابان، با افتخار انجام می دهم؛ اما به آن خانه برنمی گردم. اگر بکشیدم آنجا برنمی گردم.»

بیست روز همانجا بودم. آخر کار دیدند حریفم نمی شوند متعظم کردند گردان خدمات. این داستان زیبایی از جوانی به نام عبدالحسین برونسی بود که در زمان طاغوت که به خاطر غیرت دینی زیر بارگناه نرفت. البته او به خاطر این اخلاص و غیرت به مراتبی از قرب الی الله دست یافت و از شهدای بزرگ دفاع مقدس شد؛ شهیدی که امام خامنه ای بارها از او به بزرگی یاد کرده اند. اگر توجه داشته باشیم که دین خداوند به راحتی به دست ما نرسیده است در رعایت دستورات دین بیشتر توجه خواهیم داشت. از جمله زحمت های بسیار زیاد انبیای و اولیای الهی که در راه ترویج دین خدا که متحمل بسیاری از مشکلات و شکنجه ها و شهادت ها شدند؛ از زحمات فراوان امامان علیهم السلام از ضربت خوردن امیرمؤمنان(ع) در محراب نماز تا مصیبت های عظیم امام حسین(ع) در صحرای کربلا.

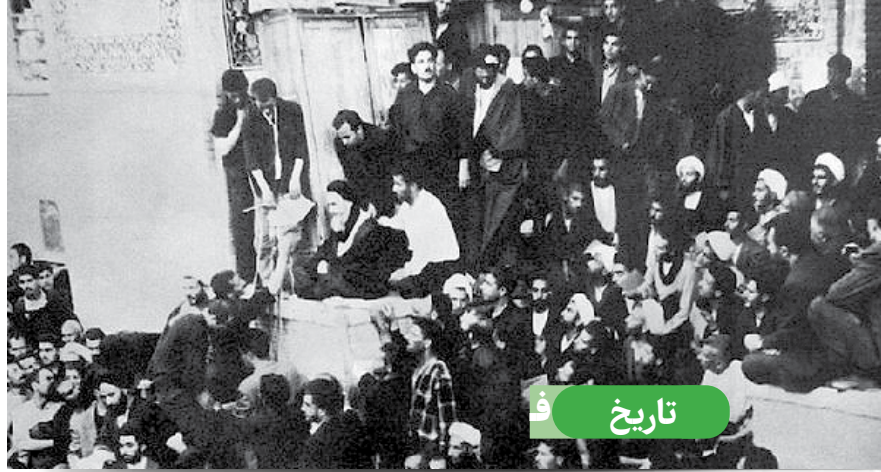
توجه به زحمات و مجاهدت های بی شمار رزمندگان اسلام از صدر اسلام تا کنون که صدها هزار نفر در راه حفظ دین به شهادت رسیده اند باعث می شود انسان در دین غیرت داشته باشد. دشمن برای اجرای نقشه های شوم خود دنبال کم هزینه ترین راه می باشد؛ دشمن می داند که حمله نظامی و جنگ سخت

هزینه های بسیاری دارد بنابراین به دنبال فتح سنگرها از درون است؛ به همین علت دشمن به دنبال از بین بردن غیرت دینی در جوانان می باشد. دشمنان تلاش می کنند تا غیرت ملی را در بین مردم و به خصوص جوانان از بین ببرند، زیرا دشمن می داند جوانی که غیرت دینی دارد حتما غیرت به وطن خود نیز دارد و اجازه نفوذ دشمن را نمی دهد؛ نمونه بارز این مسأله در دفاع مقدس خود را نشان داد که چطور جوانان و حتی نوجوانان کم سن و سال در برابر تهاجم وحشیانه دشمن ایستادند و اجازه تصرف حتی یک وجب از خاک وطن را به دشمن تا بن دندان مسلح ندادند. علت این موضوع برجسته بودن غیرت دینی در مردم و به ویژه در جوانان و نوجوانان بود.

امروز دشمنان اسلام به جنگ نرم و به ویژه به جنگ شناختی روی آورده است و قصد دارند با کم کردن غیرت دینی جوانان و کم اهمیت نشان دادن احکام الهی، آنان را از ارزشهای والای اسلام و نظام اسلامی دور کنند، که باید با تقویت سواد رسانه ای نسل جوان، توطئه های امروز دشمن را خنثی کرد.

احمد محمدی فرد زیارانی
روابط عمومی و تبلیغات مرکز
آموزش عالی هوانوردی هوانیروز





تاریخ

روایت نوروز ۱۳۴۲

محمد علی محرمی

امام خمینی که پس از وفات آیت الله بروجردی همچون گذشته، در برابر طرح‌ها و اقدامات ضد دینی شاه موضع‌گیری کرده و سبب شکست بسیاری از این طرح‌ها و اقدامات شده بود، در مقابل طرح «انقلاب شاه و ملت» یا «انقلاب سفید» نیز موضع‌گیری سختی نمود. همه پرسى غیر قانونی راب به این طرح شاه در شرایطی که به جز کارگزاران رژیم، کسی دیگر در آن شرکت نداشت، برگزار شد و رسانه‌های رژیم با پخش مکرر تلگراف‌های تبریک مقامات آمریکا و دولت‌های اروپایی، سعی کردند رسوایی عدم مشارکت مردم در همه پرسى را مخفی نگاه دارند.

با پیشنهاد امام خمینی، عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم، تحریم شد. دوم فروردین سال ۱۳۴۲ ش. مصادف با روز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام بود و طبق برنامه طراحی شده، عده‌ای نظامی، با لباس دهقانان و در حالی که به چاقو و چوب مسلح بودند، به وسیله چند دستگاه اتوبوس شرکت واحد از تهران وارد قم شدند و این عده پس از مانوری کوتاه در شهر، به سوی دروازه قم رفتند و در آن جا مستقر شدند.

در آن روز به مناسبت سال گرد شهادت امام جعفر صادق علیه السلام، مجالس متعددی در شهر برپا شده بود. بنابراین، تعداد زیادی از مردم نیز از ابتدای صبح در بیت امام اجتماع کرده بودند. ماموران حکومت صبح به بیت امام خمینی رفته بودند؛ تا مأموریت خویش را انجام دهند؛ اما تهدید امام که

توسط یکی از روحانیون جلسه به مأموران ابلاغ شد، مانع اجرای اقدامات آنان شد و به این ترتیب، این توطئه خنثی شد. بعد از ظهر همان روز دقایقی بعد از آغاز مراسم سوگواری، عملیات نظامیان کشاورز نما، در مدرسه فیضیه به اجرا درآمد و مأموران، مجلس عزاداری را به هم ریخته، چون گرگ وحشی به جان جمعیت افتاده، با مشت و لگد و هر چیزی که در اختیار داشتند، بر سر و تن پیر و جوان کوبیدند. همزمان با فاجعه فیضیه، روز دوم فروردین ۱۳۴۲ ش. در حالی که در تعدادی از مساجد تبریز نیز مراسم عزاداری برپا بود، عده‌ای از مأمورین ساواک و شهربانی وارد مدرسه طالبیه شدند و پس از پاره کردن تعدادی عکس و اعلامیه‌های نصب شده بر دیوارهای مدرسه، با طلبه‌ها و مردم درگیر شدند. واقعه حمله به فیضیه و مدرسه طالبیه تبریز و شیوه برخورد امام خمینی با این حوادث، زمینه مناسبی را برای آشنایی مردم با دیدگاه‌های امام درباره خاندان پهلوی، سیاست‌های آمریکا، اسرائیل و انگلیس به وجود آورد. در حقیقت حوادثی که از سال ۱۳۴۰ ش. در ایران شروع شده بود و با فاجعه فیضیه ۱۳۴۲ ش. تداوم یافت، سرانجام منجر به قیام ۱۵ خرداد شد و مردم ایران را با واقعیت‌های دردناک جامعه ایران، آشنا ساخت.

از این رو، حادثه حمله به مدرسه فیضیه، یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی است. این حادثه بر خلاف تصور شاه که می‌پنداشت سبب سرکوبی روحانیت و قیام مردم می‌شود، عامل تثبیت تفکر سیاسی امام خمینی در جامعه شد.

ف حکایت

قناعت ثروت واقعی

ما با آنچه به دست می‌آوریم زندگی می‌کنیم و با آنچه می‌بخشیم یک زندگی می‌سازیم. در روزگاران قدیم بانوی خردمندی که به تنهایی و پیاده سفر می‌کرد در عبور از کوهستان سنگ گران‌قیمتی را پیدا کرد. روز بعد به مسافری رسید که گرسنه بود. آن بانوی خردمند کیف خود را باز کرد و مقداری غذا به او داد.

مسافر سنگ گران‌قیمت را در کیف بانوی خردمند دید و از او خواست تا آن را به او بدهد و بانوی خردمند بدون درنگ سنگ بالارزش را به او داد. مرد مسافر به سرعت از آنجا دور شد و از شانس خوب خود بسیار شادمان گشت.

او می‌دانست آن سنگ آن قدر ارزش دارد که می‌تواند تا آخر عمر با خیال راحت زندگی بی‌دردسر و پر نعمتی را داشته باشد.

چند روزی گذشت ولی طمع مرد او را راحت نمی‌گذاشت و مرتب با خود می‌گفت اگر او چنین سنگ بالارزشی را به این سادگی به من داد پس اگر از او می‌خواستم بیش از این به من می‌داد. بنابراین مرد باز گشت و با سختی فراوان آن بانو را پیدا کرد.

سنگ گران‌قیمت را به او بازگرداند و به او گفت: من خیلی فکر کردم و می‌دانم که این سنگ چقدر ارزش دارد اما من او را به تو باز می‌گردانم به این امید که چیزی به من بدهی که از این سنگ بالارزش‌تر باشد.

بانوی خردمند گفت: از من چه می‌خواهی؟ مرد گفت: چیزی که باعث شد به این راحتی از این همه ثروت چشم‌پوشی کنی! زن پاسخ داد: قناعت. به همین دلیل است که می‌گویند افراد، ثروتمند یا فقیرند به خاطر آنچه هستند نه آنچه دارند.

ما با آنچه به دست می‌آوریم زندگی می‌کنیم و با آنچه می‌بخشیم یک زندگی می‌سازیم.

اللا - اسم اعظم - مظهر تام - جلوه کامل - وجه تام و آیت کبری شناخته می شوند.

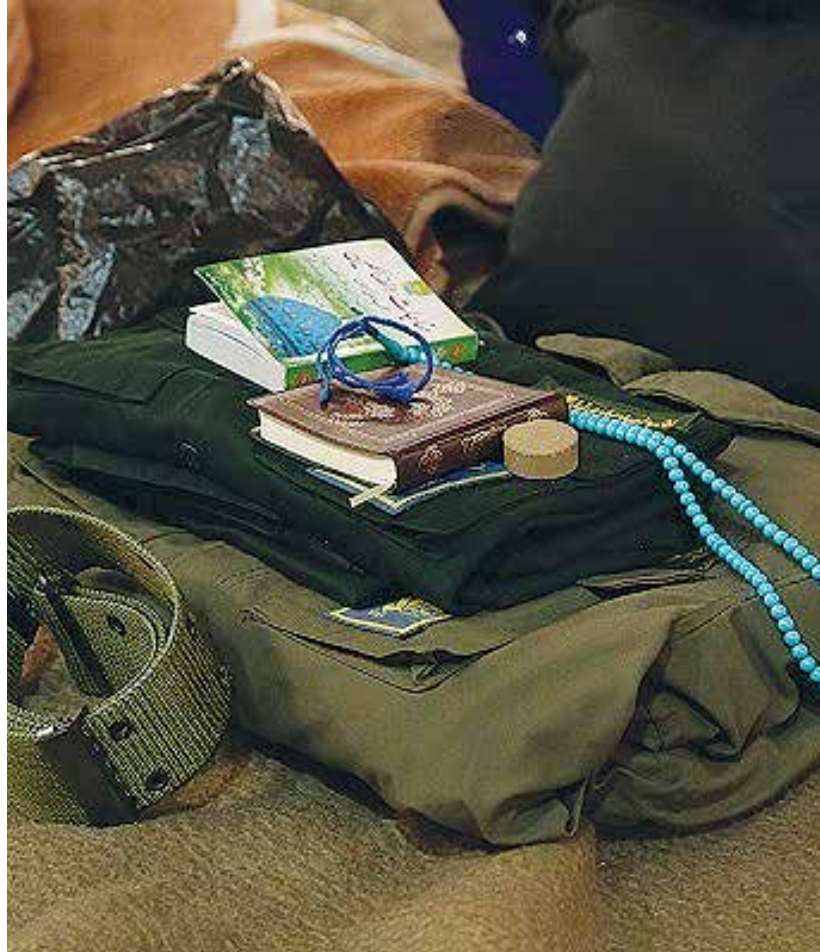
اکنون بنا بر آموزه های دینی در می یابیم رسیدن به مقصد عالی حیات تنها در سایه اطاعت، بندگی و تقوا به دست می آید، عبودیت و تقوا نیز حاصل عمل صالح است «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس ۶۱) بندگی مرا کنید که این راه مستقیم است در حدیث قدسی نیز خداوند می فرماید: «عَبْدِي أَطِيعَنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي، أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ أَجْعَلَكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ؛ بنده من، مرا اطاعت کن تا تو را مانند خود قرار دهم من به چیزی می گویم باش می شود تو را نیز چنین قرار می دهم که به هرچیز گویی باش می شود.»

در شب معراج پیامبر اکرم (ص) از خداوند تبارک و تعالی درباره حال مومن نزدش پرسید خداوند فرمود: بنده من با هیچ چیز محبوب تر از واجبات به من نزدیک نمی شود آنگاه با انجام مستحبات چنان به من نزدیک می گردد که دوستش میدارم وقتی دوستش داشتم گوش او می شوم که با او می شنود چشم او می شوم که با آن می بیند. زبان او می شوم که با آن سخن می گوید و دست او می شوم که با آن کار انجام می دهد؛ اگر مرا بخواند اجابتش می کنم و اگر درخواستی کند به او می بخشم.

ارزش و اعتبار حقیقی انسان با تقوا مشخص می شود هرچه درجه تقوای انسان بالاتر رود و آدمی پله های بیشتری از این نردبان را طی کند ارزش بیشتری به دست آورده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات ۱۳) تقوا نیروی بازدارنده مقتدری است که انسان را از اقدام به کارهای زشت باز می دارد. به عنوان مثال تقوای چشم یعنی قدرت نگهداری چشم، تقوای زبان یعنی تسلط بر فعالیت زبان و توان نگهداری آن، تقوای شکم یعنی قدرت کنترل خوراک، تقوای ذهن یعنی نیروی بازدارنده از حرکت ناشایست قوای ذهنی و قدرت کنترل خیال.

البته تقوای مورد نظر قرآن تسلط بر خویش برای اجرای امر پروردگار و جلب رضایت اوست؛ آنگاه که نفس آدمی او را به خواهش های پست دعوت کند «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات ۴۰ و ۴۱) و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس خود را از هوی بازداشت پس جایگاه او همان بهشت است.

بنابراین همانطوریکه که اشاره شد، هدف زندگی انسان مومن قرب به خداست، قرب به خدا نیز تنها با بندگی و تقوا امکان پذیر می شود. این هدف عالی، انضباط رفتاری خاصی را برای انسان مومن الزامی می نماید که از آن به سبک زندگی تعبیر می شود.



ارزش و اعتبار حقیقی

سبک زندگی مجاهدانه - ۵

در نوشتار قبل در خصوص هدف زندگی انسان با ایمان که همانا قرب به خداوند متعال و رسیدن به مقام خلیفه الهی است مطالبی ارائه گردید؛ در این مبحث چگونگی رسیدن به این هدف والا بیشتر مورد بحث قرار می گیرد.

در نگاه اندیشمندان مسلمان و آنچه از قرآن در معنای اصطلاحی انسان به دست می آید این است که انسان «حیّ متاله» است.

انسان مرکب از روح و جسم نفس و بدن است که نفس او آینه حق است چرا که خداوند فقط او را از میان مخلوقاتش برای خلافت و جانشینی خود در زمین برگزیده است چنانکه بسیاری از مفسران جمله خلق الله تعالی آدم علی صورته را به همین معنا تفسیر کرده اند. عرفای شیعه انسان را تجلی تام خداوند متعال و حقیقت او را آینه اسم اعظم دانسته اند.

نظر به مطالب ذکر شده می توان گفت حقیقت انسان به صورت شاکله ظاهری او نیست بلکه به صورت باطنیش مربوط می باشد هر چه انسان بیشتر بتواند جلوه گاه پروردگار باشد به خدا نزدیک تر می شود تا جایی که انسان آینه تمام نمای او می شود. همه مخلوقات مانند تصویر درون آینه استقلالی از خود ندارند اما می توان گفت هر کس به آنها نظر کند خدا را دیده است. پس انسان های کامل نماینده خلیفه و جانشین خدایند که با عناوین خلیفه الله - المثل



سفره

ف

سیستم روتقویت کن!

عمار محمدی نژاد

تقویت سیستم ایمنی بدن یکی از راه‌های مهم محافظت در مقابل بیماری‌هاست. افزایش دریافت غذاهای چرب، نوشیدنی‌های شیرین و پر کالری، کم تحرکی، افزایش زمان تماشای تلویزیون و استفاده از رایانه از علل اصلی اضافه وزن و چاقی است که متأسفانه سلامت را به خطر می‌اندازد. هر خانواده می‌تواند با مدیریت مطلوب از یک رژیم غذایی متعادل و سالم برخوردار شود و خود را در مقابل بیماری‌ها مقاوم کند.

داشتن یک برنامه غذایی مناسب، فعالیت بدنی و مدیریت استرس بهترین راه حفظ سلامت، تقویت سیستم ایمنی بدن، پیشگیری از بیماری و کنترل وزن است. برنامه غذایی مناسب به معنای مصرف متعادل و متنوع همه گروه‌های غذایی یا جایگزین آن‌ها شامل انواع میوه‌ها، سبزی‌ها، غلات کامل، لبنیات کم چرب، انواع گوشت‌ها (قرمز، مرغ، ماهی و طیور) حبوبات و تخم مرغ است.

صرف وعده‌های اصلی غذایی بسیار مهم است و نباید هیچ کدام از آن‌ها را حذف کرد، چرا که شاید در ابتدا به کاهش وزن کمک کند اما در نهایت منجر به مشکلات گوارشی و بیماری خواهد شد. برای کاهش وزن صحیح مقدار غذای مصرفی و زمان استفاده را تنظیم کنید. میان وعده نیز در طی روز به ویژه صبحانه کامل، اهمیت دارد. استفاده از تخم مرغ، شیر کم چرب، پنیر کم چرب و کم نمک، نان

و غلات سبوس دار و میوه و سبزی در وعده صبحانه مفید است.

در میان وعده‌ها از انواع میوه‌ها و سبزی‌های تازه استفاده شود. مصرف انار، سیب، مرکبات، توت فرنگی، زردآلو، طالبی، موز، انبه، هندوانه، کیوی و یا هر نوع میوه دیگری که در دسترس است.

برای وعده نهار بهتر است از نشاسته‌ها دوری کنید و غذا را به اندازه بخورید. خوردن حبوبات، پروتئین و نان سبوس دار و یا کمی برنج توصیه می‌شود به شرطی که مداوم و هر روز تکرار نشود.

مصرف سبزی‌هایی نظیر هویج، کدو حلواپی، انواع فلفل، سبزی‌های دارای برگ سبز (اسفناج و کاهو)، گوجه فرنگی، خیار، انواع کلم و سایر میوه‌ها و سبزی‌ها بسیار خوب و توصیه می‌شود. مصرف انواع مرکبات (پرتقال و نارنگی و لیمو ترش و نارنج) به صورت منظم، تأثیر مثبتی در سلامت بدن دارد. مرکبات حاوی ویتامین سی هستند که نقش مهمی در تقویت سیستم ایمنی دارند.

مصرف مایعات، به خصوص آب آشامیدنی سالم به عنوان بهترین نوشیدنی برای رفع تشنگی، آب میوه‌های تازه، دوغ کم نمک و بدون گاز، شربت‌های خانگی کم شیرین و مصرف نان‌های سبوس دار را از قلم نیندازید، چرا که غلات کامل حاوی ویتامین‌های گروه ب و سلنیوم هستند که می‌تواند به تقویت سیستم ایمنی کمک کنند.

تلنگر

ف

زنگ خطر

کشور ایران، همچنان به توسعه‌ای پایدار، درون‌زا و همه جانبه نیاز دارد. در این راه می‌تواند از دستاوردهای رسانه‌ها، بویژه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوظهور در جهت نو سنت‌گرایی و تقویت هویت و فرهنگ ملی بهره گیرد.

اما، اشتباهی سیری ناپذیر برای آنچه در آن‌سوی مرزها می‌گذرد، حاصل مواجهه سنت و نوگرایی است که امری طبیعی بوده و بخشی از آن با سوءاستفاده از غفلت نهادهای فرهنگی، موجب آسیب‌ها و آثار زیانباری در کشور شده است.

مهمترین آثار رسانه‌های جدید در کشور عبارتند از: اطلاع رسانی غیر قابل کنترل و بدون سانسور در فضای سایبر (اینترنت) / ظهور انسان‌هایی با تابعیت بین‌المللی / رواج فرهنگ غربی و اصرار بر آن در ایران / تغییر هویت نزد جوانان تهدید زبان فارسی / رواج آسیب‌های اجتماعی به دلیل تضاد شرایط اجتماعی ایران با غرب بنابراین سوغات رسانه‌های جدید وارد شده رواج فرهنگ جدیدی است که اصالت فرهنگ ایرانی را به چالش می‌کشند.

با آتش جمله بساز!

آتش خوردن تو هم به جنگ کردن نادر می ماند

این مثل داستانی دارد؛ می گویند نادرشاه با لُرهای بختیاری، درگیر جنگی شد. ابتدا آن را ساده پنداشت. به همین دلیل، بی مطالعه و بدون برنامه ریزی و بررسی، اقدام به حمله کرد. در همان نخستین مرحله جنگ، نیروهایش محاصره شدند و نادرشاه مجبور به قبول شکستی سخت شد. نادر از میدان جنگ گریخت و خسته و گرسنه در کوره راه راه را افتاد. به خانه پیرزن دهقانی رسید. پیرزن به او پناه داد. نادرشاه پس از کمی خواب و استراحت، غذایی برای خوردن خواست. پیرزن آشی را که پخته بود؛ در کاسه ریخت و برای نادر آورد. نادر از شدت گرسنگی، قاشق را پر از آتش کرد و به دهان برد. از داغی آتش، دهانش سوخت و فریادش به آسمان رفت. پیرزن از دیدن حال و روز او به خنده افتاد و گفت: «آتش خوردن تو هم، به جنگ کردن نادر می ماند.» نادر با تعجب پرسید: «چه شباهتی بین آتش خوردن من و جنگیدن نادر است؟» پیرزن پاسخ داد: «باید آتش را قاشق قاشق و از کنار کاسه می خوردی که خنکتر است. نادر هم مثل تو، بی توجه به قلب دشمن زد و خودش را گرفتار بلا کرد. اگر قدم به قدم و با برنامه پیش می رفت، همه چیز بر وفق مرادش بود و مثل تو دهانش نمی سوخت!»

کاربرد: این ضرب المثل، هنگامی استفاده می شود که کسی کاری را با عجله و شتاب و بدون بررسی و برنامه ریزی انجام دهد و به دلیل همین بی دقتی و عجله، دچار مشکل و گرفتاری شود.

آتش شله قلمکار است!

این مثل داستانی دارد؛ می گویند ناصرالدین شاه قاجار، نذر داشت که سالی یک روز - آن هم در فصل بهار - به شهرستانک یا سرخه حصار (از نواحی خوش آب و هوای اطراف تهران) برود؛ در این روز خاص، به دستور او، دوازده دیگ آتش بار می گذاشتند. مواد این آتش، شامل چهارده رأس گوسفند و مقدار زیادی حبوبات، سبزیها و ادویه های مختلف بود. هنگام پختن این آتش، نزدیکان شاه به اتفاق اهل خانواده خود، تلاش بسیاری می کردند که در تهیه مقدمات این آتش نذری، از دیگران جلو بزنند و نهایت خدمت و ارادت خود را به این وسیله به شاه نشان دهند. مخارج و تدارکات تهیه آتش و ریخت و پاشهای مالی و جشن و سرور پخت این آتش، معروف بوده است. اما مراسم پختن این آتش، آن قدر شلوغ و بی نظم بوده که بعدها برای بی نظمی و شلختگی، ضرب المثل شده است.

کاربرد: هر کاری که بدون نظم و ترتیب انجام شود و آغاز و پایان آن معلوم نباشد؛ تشبیه می شود به: آتش شله قلمکار. این مثل، نشان از هرج و مرج و ریخت و پاش آن کار دارد.

آتش نخورده و دهان سوخته!

این مثل داستانی دارد؛ می گویند روزی مردی به خانه یکی از آشنایان خود رفت. صاحبخانه برای او کاسه ای آتش داغ آورد. میهمان هنوز دست به کاسه آتش نبرده بود که دندانهایش بشدت درد گرفت. او دست روی دهان خود گذاشته بود و از درد به خود می پیچید. صاحبخانه به خیال آن که او از آن آتش داغ خورده و دهانش سوخته است، گفت: «بهتر بود صبر می کردی تا آتش کمی سرد می شد و دهانت نمی سوخت.» میهمان که هم از درد دندان رنج می برد و هم از حرف صاحبخانه شرمگین شده بود، گفت: «بله، آتش نخورده و دهان سوخته!»

کاربرد: این مثل در مورد کسی به کار می رود که گناهی نکرده و کار بدی انجام نداده است؛ اما مردم بی دلیل او را گناهکار می دانند.

مشابه: گرگ دهن آلوده و یوسف ندیده!

آتش همسایه روغن غاز دارد.
مرغ همسایه غاز است.

آش با جاش!

وقتی به کسی چیزی را تعارف کنیم و او به جای چشیدن، همه آن را بردارد و بخورد می‌گوییم: «آش با جاش!» در برخی اوقات هم وقتی بخواهیم به کسی بگوییم که آنچه داده‌ای خوب است، اما بیشتر می‌خواهیم، این ضرب‌المثل کاربرد دارد.

آشپز که دو تا شد آش یا شور است یا بی نمک

کاربرد: اگر مسئولیت یک کار به عهده دو نفر گذاشته شود، نتیجه خوبی نخواهد داشت؛ زیرا هر کس به امید دیگری کار را رها خواهد کرد یا هر کدام با دخالت در کار دیگری، نتیجه نامطلوبی را به بار خواهد آورد.

مشابه: خانه ای را که دو کدبانوست، خاک تا زانوست.

آش کشک خالته بخوری پاته، نخوری پاته

آشی را که خاله پخته، باید خورد؛ زیرا نخوردن آن، از ادب به دور است و باعث ناراحتی خاله می‌شود.

کاربرد: اگر انجام کاری به عهده کسی گذاشته شده باشد که او میلی به انجام آن نداشته باشد، دیگران برای تشویق او می‌گویند: «آش کشک خالته بخوری پاته، نخوری پاته»

یعنی مجبور هستی این کار را انجام بدهی؛ چه علاقه‌ای به آن کار داشته باشی، چه نداشته باشی.

معنای لغت: پاته: پایت است. به پای تو نوشته شده است.

آشپزخانه امام رضا است نه مال دارا، نه ما گداست

از گذشته‌های دور در کنار حرم امام رضا علیه‌السلام آشپزخانه‌ای بوده که تمام زیارت کنندگان اعم از فقیر و ثروتمند به آن مراجعه می‌کرده‌اند تا غذای متبرک بخورد این آشپزخانه مخصوص طبقه خاصی نیست و همه از آن استفاده می‌کنند.

کاربرد: وقتی باغ و ملت یا چیزی برای همه قابل استفاده باشد و مثل بوستانها و کتابخانه‌های عمومی متعلق به قشر خاصی نباشند، می‌گویند: آشپزخانه امام رضا است، نه مال دارا، نه مال گداست

آشی برای پیزم که یک وجب روغن رویش باشد

آش از خوراکی‌های معمولی و همیشگی مردم ایران بوده است. وجود سبزی و حبوبات بسیار در آش، نیرویی کافی را به مردم می‌دهد و ویتامینها و مواد لازم را به بدن می‌رساند. معمولاً آشی که روغن داشته باشد، خوشمزه‌تر است. در قدیم، وقتی می‌خواستند به کسی احترام بگذارند، می‌گفتند: بیا تا برایت آش روغن دار بپزیم.

کاربرد: این مثل را به طعنه، درباره کسی می‌گویند که کار خلافی کرده و باید منتظر سزای عملش باشد، گوینده ضرب‌المثل، برای مخاطب خطا کارش، خط و نشان می‌کشد و می‌گوید، جواب کارهای بدت را می‌دهم.

مشابه: حسابت را کف دست می‌گذارم.

آش آلودن

وقتی شخصی در موقعیتی قرار بگیرد که بسیار شرمنده و سرشکسته شود، می‌گویند: «آش آلود شد.»

مشابه: سکه یک پول شدن / سنگ رو یخ شدن / آش ترش قابل سرپوش ندارد / صد دینار جگرک، سرفه قلمکار نمی‌خواهد.

آش خودت را بخور، حلیم حاج عباس را به هم زن! / وقتی بخواهیم به کسی بگوییم سرت به کار خودت باشد و در اموری که به تو مربوط نیست، دخالت نکن، این مثل را به کار می‌بریم. گاهی دخالت کردن در بعضی کارها، در ظاهر بی خطر یا شاید هم خوب جلوه کند؛ ولی در نهایت موجب دردسر و گرفتاری می‌شود. این ضرب‌المثل اشاره به دخالت‌هایی دارد که عاقبت خوشی ندارد.

منبع: فوت کوزه‌گری، مصطفی رحماندوست

انتخاب شریک همیشگی

انتخاب همسر و تشکیل خانواده، مهم‌ترین اتفاق زندگی در دوره جوانی است که تا پایان عمر بر سعادتمندی انسان تأثیرگذار است و کسانی که بتوانند شریک زندگی خود را به خوبی انتخاب کنند، سرنوشت و آینده خوبی خواهند داشت.

استحکام زندگی زناشویی به عوامل متعددی وابسته است که تنها با در نظر گرفتن همه آن‌ها در فرایند انتخاب همسر است که می‌توان امید داشت خانواده به صورت مستحکم تداوم یابد.

بهرتر است ابتدا با دید عاقلانه به قضیه انتخاب همسر فکر شود و زندگی آینده را فقط محدود به امروز ندید.

البته قبل از انتخاب همسر باید معیارها و مشخصات همسر خود را بررسی کرد و بر اساس اولویت و اهمیت، از آن لیستی تهیه کرد، چراکه تهیه لیست مشخصات همسر، تصویر جامع و کلی در اختیار شما خواهد گذاشت تا با دید بهتری نسبت به انتخاب همسر اقدام کنید. برای گرفتن نتیجه بهتر در این روش احساسی عمل نکنید و در نوشتن شرایط کاملاً منطقی عمل کنید.

واضح است که به هر میزان پیوند روانی، جسمی، فکری و فرهنگی گسترده‌تری بین دختر و پسر وجود داشته باشد، طعم خوشبختی بیشتری به سراغ زوجین خواهد آمد.

با این‌که معیارهای هر فردی برای گزینش همسر مناسب، متفاوت از دیگران است؛ اما برخی معیارها نقش پررنگ‌تر از بقیه دارند که عبارتند از: ایمان، حسن خلق، کفویت در باورهای دینی و فرهنگی و اقتصادی، اصالت خانوادگی، تناسب ظاهری و زیبایی و...

ایمان و باورهای صحیح از مهم‌ترین ویژگی



همسر مناسب است؛ زیرا انسانی که دین ندارد هیچ ندارد. در حقیقت ایمان و باورهای دینی به عنوان نگرش اصلی و محوری، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمام ابعاد شخصیت زوجین، نظیر هدف زندگی، ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و دیدگاه و رفتار تأثیرگذار است.

حسن خلق شرط لازم و ملاکی مطلق برای همسری است؛ بنابراین اگر فردی از لحاظ حسن خلق در حد مناسبی نباشد، فاقد شرایط لازم برای همسری می‌باشد، زیرا زندگی مشترک زناشویی، دارای سختی‌ها و فراز و نشیب‌هایی است که برخورد صحیح با آن نیاز به روحیه‌ای قوی و اخلاق حسنه دارد. اخلاق حسنه سه شاخصه دارد: نرم خویی و انعطاف‌پذیری، خوشرویی، خوش گفتاری

اصالت خانوادگی در ازدواج بدین معناست که دختر و پسر از خانواده‌هایی باشند که پدران و مادران‌شان می‌کوشند از نظر اخلاقی و رفتاری برای فرزندان خود الگو بوده و فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کرده باشند که پابندی آنان به آبرو و حیثیت خانوادگی، آنان لطمه‌ای وارد نکند. به هر مقدار این ملاک‌ها رعایت شود

موجب سازگاری بیشتر همسران می‌شود. در حقیقت هر قدر زن و شوهر از نظر اجتماعی به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، سازگاری آن‌ها پس از ازدواج آسان‌تر خواهد بود.

کفویت به معنای همتایی می‌باشد. اولین مسأله در کفویت که مورد غفلت واقع می‌شود کفویت در باورها و اعتقادات زوجین است که بیشتر از بررسی کفویت اقتصادی و طبقه اجتماعی باید صورت بگیرد، چرا که همطرازی در باورها و اعتقادات است که اگر در امر ازدواج محقق بشود، بقیه معیارهای کفویت تحت الشعاع این معیار قرار خواهند گرفت.

هماهنگی در زمینه فرهنگی نیز در ایجاد روابط سالم و سازنده بین همسران نقش مهمی دارد. اگر زن و شوهر هنگام ازدواج، همان گونه که کفو بودن در اعتقادات دینی را لحاظ کرده‌اند، کفو بودن در فرهنگ و سطح فکر را نیز مراعات کرده باشند، یعنی با خانواده‌ای ازدواج کنند که اندیشه و زبان‌شان به هم نزدیک باشد و حرف همدیگر را بفهمند، طبیعتاً تفاهم و درک متقابل زمینه ساز خوشبختی خواهد بود.



مشاوره ف

وابستگی‌های ایمن

دختر ۶ ساله‌ام به شدت به مادر بزرگش وابسته است، این موضوع مرا نگران کرده برای ایجاد تعادل در رابطه‌اش چه باید بکنم؟

پرسشگر عزیز! کودکان به غیر از والدین شان لازم است با پدر بزرگ و مادر بزرگ هم ارتباط داشته باشند و از محبت آن‌ها بهره‌مند شوند، ولی اینکه دچار وابستگی ناایمن شوند، صحیح نیست. موضوع دوتربیتی شدن و وابستگی از جمله موضوعات مهم تربیتی در روند رشد فرزندان است. توجه و محبت از جانب غیر از والدین، به کودکان احساس امنیت و اعتماد به نفس می‌دهد. این امر در صورتی مفید است که رابطه کودک با پدر و مادر از استحکام و امنیت اولیه برخوردار باشد.

اولین کاری که باید انجام دهید بیشتر کردن ارتباط خود با دخترتان باشد. اگر او از عشق و محبت بی‌قید و شرط شما سیراب شود (مطمئن شود) به دیگر اعضای خانواده کمتر وابسته می‌شود. پایدارترین یادگیری‌ها برای فرزندان پیش از دبستان اتفاق می‌افتد و برجسته‌ترین ویژگی ارتباطی که تقلید و همانندسازی است، بین دختران و مادران در همین سن رخ می‌دهد.

وقتی مادر بزرگ زمان بیشتری با نوه خود صرف می‌کند، گستره پایدار و زیبای عاطفی نقش می‌بندد و وابستگی ایجاد می‌شود. این زمان را شما بیشتر با دخترتان سپری کنید. توجه و تمرکز ویژه به دخترتان در منزل داشته باشید و عکس‌العمل‌های بهتری نسبت به اعمال و رفتارهایش بروز دهید.

با زبان تشویق و تأیید و تکریم، با او صحبت کنید. در زمان‌بندی‌های رفت و آمد در منزل پدر بزرگ و مادر بزرگ، دقت بیشتری داشته باشید. مادر غنی‌ترین الگوی رفتاری برای دختر است، زمانی که این الگو در خانه همراه نباشد، فرزند به دنبال جایگزین و وابستگی می‌رود. روابط پر جاذبه مملو از صمیمیت را حفظ کنید.

یکی از رازهای موفقیت مادر بزرگ‌ها در ارتباط با نوه‌ها، صبر و حوصله در گوش دادن به صحبت‌های آنان است که باعث وابستگی می‌شود. به صحبت‌های دخترتان با دل و جان گوش فرا دهید. هرگز او را تهدید نکنید، مانند: اگر این کار را انجام ندهی، دیگر مادرت نیستی! چون یک دنیا ناامنی به وی هدیه کرده‌اید. ایجاد امنیت عاطفی بسیار مهم است.

به فرزند خود حق انتخاب دهید و قانون‌گذاری‌های دست و پاگیر در منزل نداشته باشید. به خواسته‌های وی توجه کنید. همان‌طور که در منزل پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها این شرایط مهیاست. در پایان در همه این راهکارها از همراهی مادر بزرگ هم کمک بگیرید.

یکی از رازهای موفقیت مادر بزرگ‌ها در ارتباط با نوه‌ها، صبر و حوصله در گوش دادن به صحبت‌های آنان است که باعث وابستگی می‌شود. به صحبت‌های دخترتان با دل و جان گوش فرا دهید. هرگز او را تهدید نکنید

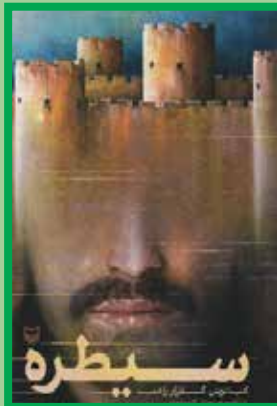
زندگی خوب بود



«زندگی خوب بود» خاطرات رزمنده حسن رحیم‌پور از عملیات والفجر مقدماتی در دوران ۸ سال دفاع مقدس است؛ سراسیمه بیدار شدم، پتو را کنار زدم و نشستم، حالا صدای شلیک توپ‌خانه ممتد و بلندتر شده بود. بلندگو دعا پخش می‌کرد. همه بیدار شده بودند. شنیدم که می‌گفتند:

«حمله شروع شده.» خودشان را جمع و جور می‌کردند. جوانک مؤذن با صدای بلند همه را به شرکت در زیارت عاشورا دعوت می‌کرد. با عجله مشغول جمع کردن پتو شدم که کاکو سر رسید. سر دیگر پتو را گرفت و در حالی که کمک می‌کرد، گفت: «نتوانستی بخوابی؟ مثل اینکه حمله شروع شد. خدا توفیقشان بدهد، ان‌شاءالله پیروز شوند.» فکر می‌کردم امشب حمله باشد. ساعت دوازده و پانزده دقیقه بود. محمود روی تختش نبود.

سیطره



هر ایرانی در تمام سال‌های بعد از انقلاب بارها نام سربازان گمنام امام‌زمان (عج) را شنیده است. خیلی از افراد علاقه‌مند هستند دربارهٔ مجاهدت‌های خالصانه ولی خاموش آن‌ها بیشتر بدانند و ببینند چطور جانشان را کف دستشان گرفته و بدون هیچ ترسی به دل دشمن می‌روند. کتاب سیطره نتیجهٔ ۳۰

ساعت گفت‌وگو و مصاحبه با نادر کیانی است که نویسنده انجام داده است. کتاب از زبان شخصیت اصلی داستان روایت می‌شود و از طریق او خواننده با مناسبات داخلی ضد انقلاب، هویت سران احزاب، عدم اتحاد رهبران، ضعف نیروهایشان، فسادها و روابط داخلی و خارجی آن‌ها آشنا می‌شود. گلزار راغب نویسندهٔ کتاب سیطره تلاش کرده است تا با روشنگری از طریق ادبیات چهرهٔ واقعی نیروهایی مثل کومله و فدائیکاری‌های نیرهای امنیتی را نشان دهد.

نبرد در الوک



جعفر جهروتی‌زاده سال‌ها فرمانده یکی از یگان‌های پارتیزانی بود. او چندین عملیات مهم و خطرناک را در پشت جبهه عراقیها فرماندهی کرده است. «نبرد در الوک» خاطرات این سردار هشت سال دفاع مقدس از دوران جنگ است. نبردهای پارتیزانی در دوران دفاع مقدس که

بیشتر در کوهستان‌ها و شهرهای مرزی عراق در شمال رخ می‌داد، کمتر در خاطرات رزمندگان آن دوران دیده می‌شود؛ به همین دلیل، خاطرات جهروتی‌زاده از این حیث یک استثنا است. نگارش نبرد در الوک پس از گفت‌وگوی حضوری با این رزمنده کهنه‌کار انجام شده است. جعفر در شش جلسه به بیان خاطرات خود پرداخته و در مجموع پانزده ساعت نوار کاست، حرف‌های او را در دل خود جای داده است.

شنام



ماجرای کتاب «شنام» مربوط به سالهای ۶۰-۶۱ از عملیات شنام است که در میوان به فرماندهی شهید احمد متوسلیان انجام شد. نویسنده کتاب «شنام» که ۱۴ ماه در اسارت کومله بوده است در این مورد می‌گوید: اسارت در این دوران به صورت دوره گردی بود و آنها ۳۰-۴۰

نفری را که در اسارت داشتند و تعداد آنها هم در طول مسیر تغییر می‌کرد را از این روستا به آن روستا می‌بردند و همین‌طور این روند ادامه داشت تا زندان سردشت که دوران اصلی اسارت ما آنجا بود. وی درباره داستان عشقی این کتاب هم می‌گوید: در دوران اسارت قرار بود کومله مرا هم اعدام کند که یکی از خانواده‌ها که از ترس گروه دموکرات به کومله پناه آورده بود نگذاشتند که اعدام کنند. این خانواده دختری به نام «شیلان» داشت که...

با دیابت بیشتر آشنا شویم

پیش‌گیری

از آنجایی که همیشه پیش‌گیری راحت‌تر از درمان است در مرحله اول توصیه می‌شود از تغذیه سالم استفاده کنیم. مصرف فست فود و غذاهای کارخانه‌ای و آب یخ می‌تواند از عوامل ایجاد بیماری باشد که باید ترک شود. ورزش روزانه و تحرک بیشتر و در کنار آن کاهش وزن را باید جدی گرفت. در غذاهای روزانه دقت کنیم از مصرف قند و شکر زیاد چشم‌پوشی نکنیم. اصلاح روغن مصرفی مثل زیتون و کنجد می‌تواند به سلامت جسم کمک زیادی کند. مصرف سبزی‌جات تازه و غلات نیز باید در سبد غذایی خانواده گنجانده شود.

راه‌کارهای کنترل دیابت

اگر دچار دیابت شدیم برای کنترل آن پیاده‌روی زیاد انجام دهیم تا سودا را در بدن جابجا و آن را تبدیل به دم کند. ماساژ شدید کف پا نیز می‌تواند سودای انباشته در این عضو را به حرکت درآورد و این کار باعث می‌شود تا خون در اندام‌های انتهایی به جریان بیفتد. باید از غذاهای قندی، شیرینی‌جات، میوه‌هایی که قند بالا دارند و همچنین مصرف بی‌رویه نان و برنج خودداری کرد.

گیاهان مفید برای دیابت

برخی گیاهان کنترل‌کننده خوبی برای دیابت به شمار می‌روند از جمله گزنه، شنبلیله، دارچین، پرک‌های وسط گردو، مریم‌گلی، ریحان، میخک و...

در باب وجود فناوری نانو در زمان رضاشاه

زینب فرخیان

مردی «جان فوران» نام، که تخصص وی بود فکوس کردن اندر رفتار و کردار و احوالات جوامع بشری، در گشکول «مقاومت شکننده» خویش، مکتوب نموده است چنین، که در اواخر سلطنت رضا شاه پهلوی زندگی بر دهقانان ایرانی سخت گشته بودند و آن دسته از دهقانان نیز که اندکی زندگی بهتری داشتندی در اثر جان بیشتری بود که آنان، کنده بودند. «جان فوران» که گویا شخص پیگیری بوده است، اندکی بیشتر که بر روی زندگانی دهقانان زوم نمودی، توانسته در گشکول خود، برنامه غذایی یک خانواده معمولی دهقان را ذکر نماید که در این برنامه، ما شاهد ظهور و بروز فناوری نانو هستیم؛ برنامه یاد گشته، به شرح زیر است:

صبحانه: «نان و چای» / ناهار: «نان و ماست» / شام: «نان و ماست و چای».

گویند، «کدی» که گشکول‌نویس، شرق‌شناس و ایران‌شناسی آمریکایی بودی، از قصه فناوری نانو در سفره دهقانان، نتیجه چنین گرفتی که «دهقانان غالباً گرسنگی می‌کشیدند».

اما گروهی برانداز نام، باورشان بر این بودند که، گرچه دهقانان و خانواده آن‌ها، در زمان رضاشاه پهلوی گرسنه بوده‌اند اما در عوض، زنان دهقانان، از بند آمپاس «فردا چی درست کنم؟»، آزادی جسته و رها بوده‌اند و این است، ثمره تدابیر ملوکانه شاه.

آمنه انتصاری

دیابت یک بیماری مزمن است که در آن سطح گلوکز یا قند خون بیش از حد معمول افزایش می‌یابد. طب سنتی دیابت را به دو دسته گرم و سرد و طب مدرن آن را به دو دسته نوع یک و نوع دو تقسیم می‌کند.

دیابت گرم

در طب مدرن به دیابت گرم دیابت نوع دو می‌گویند که انسولینی که پانکراس تولید می‌کند برای استفاده بدن کافی نیست. این نوع دیابت در افراد دارای اضافه وزن، بیشتر دیده می‌شود. استرس و اضطراب دائمی نیز یکی از علل ایجاد آن است. از دیدگاه طب سنتی خلط صفرا در بدن اگر بسوزد تبدیل به سودای سوخته شده و بر کل اعضای بدن اثرات منفی خواهد داشت که یکی از آن‌ها دیابت گرم است.

دیابت سرد

دیابت سرد یا همان دیابت نوع یک، نوعی اختلال خودایمنی است که در آن تولید و ترشح انسولین در بدن مختل می‌شود. این دیابت به نوعی غلبه سودا یا بلغم سوخته است که به دلیل غلظت، خون به دست‌ها و پاها نرسیده و دچار مورمور و گزگز می‌شود. در این دیابت نبض اندام‌ها کند و عروق پنهان می‌باشد و پاها سرد هستند. بیشتر بین خانم‌ها و بچه‌ها و افراد چاق دیابت سرد وجود دارد که با استرس پدید می‌آید.





داستان ف

آزادی

نفسه محمدی

خندیدم. گفتم: «حالا واسه کی این مهمه؟ شمام زیادی شلوغش می کنی!»

ننه مریم، با غیظ نگاهم کرد. آرام گفت: «ما داریم میریم پی کار خیر، با گناه؟ آخه میشه؟» گفتم: «ننه الان همه گناهکارا رو گرفتن؟ فقط مونده من گناهکار، برای این دو تا تار مو؟»

هر کی جا خودش! من باید نگاه کنم به کار خیر بقیه، کار خیر کنم، نه که به گناه بقیه نگاه کنم، خودم آسوده تر برم پی خطا...

روسی ام را جلو کشیدم. مادر گفته بود با ننه یکی به دو نکنم. در ماشین را برایش باز کردم و کمر بندش را بستم. راه افتادم و طبق آدرس هایی که داشت پیش رفتم. در هر خانه چیزی می داد، رسم هر ساله اش بود و انگار همه سال را به عشق این چند روز زندگی می کرد. آخرین مسیر، کوچه تنگ و نموری بود که پشت یکی از محله های بی بی شهربانو بود. به زحمت پارک کردم و کیسه آخر را از صندوق عقب برداشتم و

راه افتادم. صدای زنگ بلبلی که آمد، پیرزنی در را باز کرد و با ننه مریم احوالپرسی گرمی کرد. داخل شدیم و توی یکی از اتاق ها که با فرش قرمز قدیمی، پتوی ملحفه شده و دو تا پستی ترکمن تزئین شده بود، نشستیم. پیرزن لبخند زنان دوتا چایی آورد و به نیت احوالپرسی نزدیک ننه نشست. چند کلمه ای حرف زدند. صدای مبهمی پیرزن را از جا بلند کرد. ننه نگاهی به موهای پریشان من که از روسری بیرون آمده بود، انداخت. اشاره کرد و من هم با بی میلی گفتم: «ننه مگه نشنیدی زن زندگی آزادی... سخت نگیر!» نگاه عاقل اندر سفیاهی به من انداخت و از جا بلند شد. اشاره کرد تا من هم از جا بلند شوم. کنار دری که به اتاق دیگری باز می شد ایستاد. اشاره کرد تا داخل را نگاه کنم. آرام و با تعجب نگاه کردم. مردی نحیف و لاغر، انگار که پوستی روی استخوان کشیده باشند، خوابیده بود، با چشم هایی که به سقف خیره شده بود و پیرزن داشت تیمارش می کرد. ننه به عکس روی تاقچه اشاره کرد. جوان زیبا و خوش قد

وبالایی توی قاب رنگ و رو رفته می خندید. - اینو می بینی ننه؟ همین پیرمردیه که پوست و استخوان شده، زندگیشو برای تو داده، تا الان آزاد باشی، برای من از این شعارا نده، الان که از آب و گل دراومدید و فکر می کنید سری تو سرا درآوردید، یادتون به این خونه ها و این آدمها باشه... زن زندگی... شماها از آزادی چی می دونین؟

به پیرمرد روی تخت نگاه کردم. حال بد بود و نمی دانستم چه باید بگویم. پیرزن با سینی وارد اتاق شد. سفره و دو سه بشقاب و کمی ترشی.

- سید همیشه مهمون نواز بوده، حالام فهمید کسی اومده اشاره می کنه ناهار بیارم براتون. ببخشید ناقابل، یه کم دم پختک درست کردم...

نگاهش کردم. حتی از در و دیوار خانه هم خجالت کشیدم. موهای پریشانم را زیر روسری جا دادم و سفره را پهن کردم. زندگی و آزادی کنار همین پیرمرد جانباز و زنی فداکار، معنی کامل تری داشت.



ماه فرصتی

• توصیه کاربردی

حضرت آیت الله خامنه ای برای بهره برداری مومنانه از ماه مبارک رمضان:

حضرت آیت الله خامنه ای ماه مبارک رمضان را «ماه فرصت‌ها میدانند». در این اطلاع‌نگاشت • توصیه کاربردی رهبر انقلاب اسلامی را برای بهره برداری از این فرصت عظیم الهی مرور می‌کند.



استفاده از
فرصت سحر

۱۳۹۸/۰۲/۱۰



روزه خوب با همه
اعضا و جوارح

۸۵/۰۶/۲۵



تمرین دوری
از گناه

۷۸/۰۹/۲۶



توبه از گناهان
واشتباهات

۸۹/۰۵/۲۷



استفاده حداکثری
از لیلۃ القدر
باتوسل و ذکر

۷۴/۰۷/۲۹



ارتباط با خدا
از طریق دعاها

۷۸/۰۶/۲۹



رفع بیماری‌های
روحی همچون بخل
و بدخواهی و تنبلی

۷۱/۱۲/۰۴



تلاوت قرآن
باتدبیر

۸۶/۰۶/۲۳



کمک مؤمنانه
به نیازمندان
و فقرا

۹۹/۰۱/۳۱



تلطیف روابط انسانی
با خیرخواهی و
ایجاد محبت

۹۳/۰۴/۱۱

السلام
الحسيني

